

مقدمه

اصولاً زندان به عنوان کیفر اصلی از جمله مجازاتهای نسبتاً جدید و متداول نسبت به سایر کیفرها چون قطع اعضا، اعدام، شلاق، جریمه و ... محسوب می‌شود. البته این به آن معنا نیست که مجازات زندان در تاریخ حقوق جزا هیچگونه سابقه ای نداشته است، اما آنچه در تاریخ حقوق کیفری با عنوان کیفر حبس به صورت پراکنده وجود داشته قطعاً با شکل سازمان یافته این مجازات در جهان امروز متفاوت بوده است، چرا که زندان در تاریخ قدیم به عنوان مکانی برای اعمال یک سلسله اقدام های تنبیهی یا به عنوان بازداشتگاه نسبت به فرد مجرم یا متهم به حساب می آمده است. بنابراین کیفر حبس به تعبیر امروزی عمدتاً در دو سده اخیر وارد حقوق جزای مدرن شده و از این جهت، مجازاتی نوپا است. با وجود جوان بودن این مجازات، زندان به لحاظ عیب و ایرادهای عدیده ای که از آن برخوردار است، خیلی زود آماج انتقادهای فراوان واقع شد.

۱. ایرادهای عمده مجازات سالب آزادی

الف: هزینه‌زا بودن (جنبه اقتصادی)

به نظر مخالفان مجازات زندان هیچ دلیلی وجود ندارد که در جامعه ای که با سیل انبوه بیکاران مواجه است، از عده ای انسان بزهکار و ناقض قانون در زندان نگهداری و «پذیرایی» شود و مؤدیان مالیاتی ملزم به پرداخت هزینه های آنان باشند. البته لازم به تذکر است که امروزه در کشورهایی مانند آمریکا، دولت با طرح بحث خصوصی سازی زندانها، دست به تمرکز زدایی زده و اختیارات خود را به اعمال حاکمیت از طریق اعمال حبس محدود نموده و بدین ترتیب اداره زندانها را به بخش خصوصی واگذار کرده است.

دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

دوره کارشناسی ارشد

تقریرات درس

حقوق کیفری عمومی

(اقدامات و کیفرهای جایگزین زندان)

استاد: ع.ح. نجفی ابرندآبادی

تهیه و تنظیم

مهرداد رایجیان

سال ۷۹-۱۳۷۸

تذکر: کلیه پانوشتهای این جزوه توسط تنظیم کننده به متن اصلی

افزوده شده است.

حقوق جزای عمومی ۵۳۷

اما در برابر این اندیشه، همواره عده ای وجود داشته اند که ندای غیر قابل تفویض بودن اعمال حاکمیت (حق مجازات کردن) به بخش خصوصی را سر داده و از اصل انحصاری بودن مجازات در اختیار حکومت به شدت دفاع کرده اند.

بدین ترتیب در برخی کشورها نظیر فرانسه اداره زندانها صورت «دولتی-خصوصی» به خود گرفته است و بخشی از مسائل قسمت زندانبانی موسسات زندان، قسمت جرح و تعدیل در اجرای مجازات زندان، قسمت دخل و تصرف در مدت و کیفیت اجرا و نحوه رفتار با مجرمان همچنان در ردیف اختیارات بخش دولتی قرار دارد. بنابراین سرنوشت زندان همچنان در اختیار دولت است، چرا که مطابق قاعده اولیه، حق مجازات کردن بر اساس قرارداد اجتماعی، بر عهده دولت گذاشته شده است.

ب: تورم جمعیت کیفری

امروزه جرم انگاری روز افزون (تورم کیفری) و صدور احکام فراوان سالب آزادی، سبب تورم جمعیت کیفری زندانها شده است. کثرت مجازاتهای حبس در کتاب پنجم ق.م.ا (تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) گویای تورم جمعیت کنونی در کشور ما است و موجب تشدید بحران در زندانهای کشور شده است. فرانسه نیز در اول ژانویه ۱۹۹۷ دارای ۵۴ هزار و ۲۶۹ نفر زندانی بوده است که اندکی بیش از نیمی از این تعداد، متهم بوده اند، حال آنکه ظرفیت زندانهای فرانسه حدود ۴۸ هزار نفر بوده است. در ایالات متحده در دسامبر ۱۹۹۷ یک میلیون و ۷۲۵ هزار و ۸۴۲ نفر زندانی وجود داشته که برای هر صد هزار آمریکایی، ۶۴۵ زندانی موجود بوده است. در فرانسه به این رقم، باید ۱۱۷ هزار و ۶۱ نفر را اضافه کرد که کیفر سالب آزادی خود را در محیط باز طی می کنند. در آمریکا در همین تاریخ حدود ۵ و نیم میلیون محکوم به حبس یا متهم در زندان باز به سر می برده اند. از جمله اقدامهایی که در نظامهای متحول کیفری برای

۵۳۸ مباحثی در علوم جنایی

کاستن از بار تورم جمعیت کیفری صورت پذیرفته می توان از تعلیق مراقبتی، حبس های خانگی، حبسهای نیمه وقت و ... نام برد.

مشکل دوم کیفر سالب آزادی در عین حال معضل سومی را نیز دامن می زند:

ج: تکرار جرم

مطالعات اخیر نشان می دهد که زندان از دو جهت جرم زا است: زندانبان پس از گذشت مدتی از آزادی، دوباره با ارتکاب جرم به دستگاه کیفری باز می گردند؛ بخشی از فرهنگ زندان با ترخیص زندانبان به جامعه انعکاس می یابد و این «خرده فرهنگ» در برخورد با فرهنگ کل جامعه اثرات نامطلوبی بر آن می گذارد. به این ایرادهای بالا باید مشکلات بهداشتی را نیز افزود. معضل بیماری ایدز در زندانها گریبان گیر عده ای از زندانبان است که به همراه زندانی در زمان آزادی وارد جامعه نیز می گردد. بنابراین در جرم شناسی های معاصر نظریه ای با عنوان Prisonaziation (فرهنگ پذیری از محیط و فضای زندان) مطرح شده که گونه های فرهنگ زندان را (رفتار، کلام، آداب و رسوم و ...) که در طول اقامت در حبس، بر شخصیت و رفتار زندانبان تاثیر می گذارد، در بر می گیرد.^۱

بدین ترتیب ملاحظه می شود مشکلاتی که این ایرادها را برانگیخته است مسائل متنوع اقتصادی، جرم شناسی، بهداشتی و انسانی را شامل می شود و به همین خاطر، مساله اعتراض به آثار جرم زای زندان خیلی زود به یک بحث جدی تبدیل و در پی آن مساله انسانی و متنوع کردن نحوه اجرای حبس و نیز جایگزین نمودن تدابیری به جای حبس و یافتن راه حلها و بدلیل هایی برای آن مطرح شد.

۱. برای اطلاع بیشتر در این خصوص ر.ک. دکتر حسین غلامی، پذیرش فرهنگ زندان (ترجمه)، مجله

حقوق جزای عمومی ۵۳۹

موضوع جایگزین های زندان برای نخستین بار در کنگره پیشگیری از وقوع جرایم در لندن (۱۸۷۶) مطرح شد. ولی پیگیری تحقق برنامه های اجرایی آن عمدتاً به سالهای پس از جنگ دوم جهانی و تاسیس سازمان ملل متحد بازمی‌گردد.

از نخستین اقدام های این سازمان در رابطه با مجازات زندان، تهیه قواعدی به نام «قواعد و مقررات حداقل راجع به نحوه رفتار اصلاحی با زندانیان» (قطعنامه ۱۹۵۵) است که مقررات مربوط به نحوه رفتار با زندانیان، اداره زندان و برنامه روزانه آنان را در ۹۹ قاعده شامل می‌شود. تاکید اصلی این قواعد بر انسانی و معنوی کردن فضای داخل زندان، تعدیل آثار جرم زای آن و ... است.

به دنبال این قطعنامه، سازمان ملل در سال ۱۹۹۰، قطعنامه دیگری به نام «قواعد حداقل راجع به تدابیر غیر سالب آزادی» را به تصویب رساند (قواعد توکیو). قطعنامه توکیو به وضوح همزمان زیانهای قرارهای بازداشت و کیفری حبس را به دولتهای عضو گوشزد و در عین حال، جایگزینها و بدیل هایی برای آنها نیز توصیه کرده است. بحث جایگزین های زندان در فرانسه به سال ۱۹۷۵ بازمی‌گردد. جایگزینهای سالب آزادی بر حبسهای کوتاه مدت (حبس های تا سه ماه) ناظر بوده اند. مطالعات نشان داده‌اند که «حبس های کوتاه مدت حداکثر تا ده روز» می‌تواند یک شوک نجات‌بخش برای بزهکار باشند ولی حبسهای بالای ده روز تا سه ماه قطعاً مشکل سازند، چون در آنها فرصت رسیدگی به وضعیت زندانی و اعمال برنامه های اصلاحی وجود ندارد. بدین ترتیب قانونگذار فرانسوی از سال ۱۹۷۵ غالباً کیفرهای حبس کوتاه مدت تا سه ماه را در چارچوب سیستم بدیلها (Alternatives) مورد توجه قرار داده است.

۲. مطالعه مفهوم جایگزین های حبس

مفهوم جایگزین ها در بحث ما دارای ویژگیهای زیر است:

۵۴۰ مباحثی در علوم جنایی

جایگزین های کیفر سالب آزادی بدیلهایی هستند که یا در دادنامه کیفری یا پس از صدور حکم (در زمان اجرای مجازات) مطرح می‌شوند. بنابراین جایگزین های قرار بازداشت موقت (تأمین کیفری به معنای اعم) از شمول بحث ما خارج اند. در فرانسه به جای قرارهای تأمین کیفری، قرار میانجیگری، قرار کنترل قضایی که شامل طیف وسیعی از تدابیر می‌شود وجود دارند که مانع از زندانی شدن متهم می‌گردند. بدیلهای کیفر سالب آزادی در مورد مجرمان بزرگسالان قابل اعمال است. بنابراین بزهکاران صغیر از بحث ما خارج اند.

جایگزین های سالب آزادی عمدتاً شامل کیفرهای حبس جنحه ای می‌شوند و حبسهای جنایی معمولاً مشمول سیاست جایگزینی واقع نمی‌شوند، مگر در موارد تصریح شده در قانون.

خلافهایی که از درجه پنجم (نزدیک به جنحه) به شمار می‌روند نیز مشمول سیاست جایگزین واقع می‌شوند.

با این اوصاف بدیل ها یا آلترناتیوهای مورد بحث ما شامل اقداماتی می‌شوند که قاضی در زمان صدور حکم، حق انتخاب بین اعزام محکوم به زندان (محکومیت غیر سالب آزادی) و حق انتخاب نسبت به باقی گذاردن زندانی در زندان و خارج کردن او از حبس را دارد. مرجع تصمیم گیرنده مورد نخست در فرانسه قاضی محکمه (صادر کننده حکم) و مرجع تصمیم گیرنده در مورد دوم قاضی مسؤول اجرای مجازاتها است.

بدین ترتیب، جایگزین ها عبارتند از اراده قاضی مبنی بر کنار گذاردن زندان یا تحدید مدت حبس. در نتیجه، بدیلها انتخاب میان دو امکان هستند که همزمان ممکن است شامل توالی وضعیتهای مختلف باشند، مانند اجرای حکم حبس در بدو امر و سپس خروج محکوم از زندان در مرحله بعد.

حقوق جزای عمومی ۵۴۱

در حقوق فرانسه جایگزین های حبس زیر مبحث «فردی کردن» (شخصی کردن)^۲ مجازاتها آمده است. قانونگذار فرانسوی در عنوان سوم قانون جزا با عنوان «کیفرها» در ماده ۲۴-۱۳۲ صراحتاً به اصل شخصی کردن کیفرها اشاره کرده است. بدین ترتیب اصل شخصی کردن مجازاتها از بحث های آموزه ای خارج شده و لباس قانونی به خود پوشیده است. به موجب این ماده در محدوده های تعیین شده در این قانون، دادگاه حسب اوضاع و احوال ناظر بر جرم و شخصیت مباشر آن به صدور مجازات مبادرت می‌ورزد و رژیم اجرای آنها را نیز تعیین می‌کند.

یکی از پرسشهایی که پیرامون جایگزین ها مطرح می‌شود این است که آیا عفو عمومی جایگزین حبس محسوب می‌شود یا خیر؟ در پاسخ باید در نظر داشت که عفو عمومی یک مصلحت سیاسی - عمومی و بنابراین یک حکمت سیاست جنایی است که با فلسفه و مقتضای جایگزین ها که همان مفهوم اصل شخصی کردن مجازاتها و اجتناب از حبس و سلب آزادی است مطابقت ندارد. همچنین است عفو خصوصی به جهت دارا بودن ماهیت سیاسی.

بدین ترتیب اصل شخصی کردن مجازاتها ستون فقرات جایگزین ها محسوب می‌شود که خود از جمله دستاوردهای مکتب تحقیقی ایتالیایی در جرم شناسی و حقوق جزا است و مکتب دفاع اجتماعی نوین نیز از آن حمایت کرده است.

۱. اصل فردی کردن مجازاتها که در تحولات اخیر حقوق کیفری دامن اشخاص حقوقی را نیز گرفته و به اصل شخصی کردن مجازاتها تعبیر می‌شود، قطعاً با اصل شخصی بودن مجازاتها متفاوت است. اصل شخصی بودن عبارت است از مسئولیت هر شخص در برابر عملی که خود انجام داده و تحمل مجازات مربوط به آن عمل. حال آنکه اصل فردی کردن به معنای برقراری تناسب میان مجازات یا نحوه اجرای آن با شخصیت مجرم است. بنابراین در اصل فردی کردن مجازاتها از اصل تناسب میان مجازات (از نظر نوع و میزان و نحوه اعمال) با شخصیت مجرم (شخص حقیقی یا حقوقی) سخن به میان می‌آید.

۵۴۲ مباحثی در علوم جنایی

۳. طبقه بندی جایگزین ها

جایگزین ها موضوع طبقه بندی های مختلفی واقع شده اند. به زعم عده ای جایگزین ها موارد زیر را شامل می‌شوند:

اجتناب از تبدیل یک کیفر غیر سالب آزادی به یک کیفر سالب آزادی (نظیر حبس بدل از جریمه در حقوق ایران).

اجتناب از اجرای کیفر حبس (نظیر تاسیس «تعلیق اجرای مجازات» در فصل سوم از باب دوم کتاب اول قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰).

بدیلهای صادره پس از صدور حکم یا در زمان اعمال محکومیت (نظیر نیمه آزادی، اعزام زندانی به خارج از زندان بسته یا نگهداری در محیط باز، حبس های خانگی همراه با نظارت الکترونیکی، آزادی مشروط و ...).

جایگزین های مطرح شده در این جزوه، طبقه بندی دوم را در برمی‌گیرند.

۴. تجارب قانونگذاری های مختلف در مورد جایگزینها

- رویکرد شورای اروپا به جانشین های حبس:

از آنجا که در تاریخ تحولات کیفری، اروپا و به طور کلی، جهان غرب در دو سده اخیر عمده ترین نقشها را ایفا نموده اند و از این جهت نقطه عطفی در این تحولات به شمار می‌روند، شایسته است که گفتاری را به تجارب سایر کشورهای اروپایی -علاوه بر فرانسه- و سازمان های بین المللی دولتی منطقه ای در رابطه با سیاست جایگزینهای کیفر سالب آزادی اختصاص دهیم.

به این منظور لازم است تا طرز تلقی و بینش شورای اروپا در مورد سیاست جایگزینی نمایانده شود: شورای اروپا که از بیش از ۴۰ عضو تشکیل شده است چهار سال پس از تأسیس سازمان ملل به وجود آمد. اهداف و رسالتهای شورا تا اندازه زیادی همان اهداف سازمان ملل در منشور سانفرانسیسکو است و از آنجا که جرم و

حقوق جزای عمومی ۵۴۳

بزهکاری در سطح اروپا خلل و خطری برای صلح و امنیت این قاره به حساب می‌آید، شورا تصمیم به تأسیس «کمیته ویژه مسائل جنایی» در ۱۹۵۷ گرفت. وظیفه این کمیته هماهنگ ساختن مبارزه علیه جرم در سطح اروپا است و بدین ترتیب در کنار سیاست جنایی سازمان ملل متحد در سطح بین‌المللی، امروزه باید از سیاست جنایی شورای اروپا در سطح این قاره سخن گفت. کنوانسیون‌ها، اعلامیه‌ها، قطعنامه‌ها، رهنمودها، توصیه‌نامه‌های مصوب و تدوینی شورا که دارای بار کیفری هستند سیاست جنایی شورا را رقم می‌زنند.

شورای اروپا را نباید با اتحادیه اروپا یکی دانست. اتحادیه اروپا که متشکل از ۱۵ عضو است عمدتاً تشکلی اقتصادی به حساب می‌آید که همکاری‌ها و مبادلات اقتصادی میان اعضای خود را دنبال می‌کند. (البته این ۱۵ کشور، عضو شورای اروپا نیز هستند).

شاخص شورای اروپا «کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر» و «دیوان اروپایی حقوق بشر» است. به بیان دیگر، شاخص شورای اروپا عمدتاً از یک سلسله معیارهای معنوی و اخلاقی تشکیل شده است. حال آنکه شاخص اتحادیه اروپا جنبه‌های مادی و اقتصادی است. بنابراین باید میان این دو سازمان منطقه‌ای اروپایی، تفاوت قائل شد.

شورای اروپا برای مدیران سازمان زندانهای کشورهای عضو نشستهایی تشکیل می‌دهد که غایتشان هماهنگ ساختن اداره زندانها در کشورهای اروپایی و حساس نمودن و جلب توجه این مدیران نسبت به مقررات جدید در خصوص چگونگی اجرای مجازات حبس و نحوه اداره زندانها است. وظیفه تشکیل این نشستها با کمیته ویژه مسائل جنایی شورا است. همچنین کمیته از زمان تاسیس، در مورد انسانی و فردی کردن اجرای مجازات حبس نیز اسناد چندی را به تصویب رسانده است. بنابراین، به موازات توجه سازمان ملل به مسائل زندان، شورا نیز از بدو تأسیس، کیفر

۵۴۴ مباحثی در علوم جنایی

حبس را مورد عنایت قرار داده است. برای نمونه باید به توصیه‌نامه مجلس پارلمانی شورای اروپا در فوریه ۱۹۹۵ اشاره کرد که طی آن، دولت‌های عضو به تحدید موارد بازداشت و زندان و توسعه قرارها و جایگزین آن‌ها، از جمله: نظارت و کنترل الکترونیکی متهم و مجرم تشویق شدند.

در باب جایگزین‌های اقدام‌های سالب آزادی و طرح اولیه آن در دیدگاه شورای اروپا، نشستی از سوی شورا در سال ۱۹۸۵ برگزار و مساله جایگزین‌های حبس در جریان آن برای مدیران سازمان‌های زندان اروپایی مطرح و تشریح گردید. در این نشست سه برداشت و تعبیر از جایگزین‌ها مطرح و به تصویب رسید:

جایگزین‌هایی که غایتشان جرح و تعدیل در نحوه اجرای مجازات حبس است.
جایگزین‌هایی که به عنوان کیفر مستقل در حکم دادگاه قید می‌شوند.
جایگزین‌هایی که زمینه اجتناب از اجرای مجازات حبس یا اجتناب از صدور محکومیت حبس را فراهم می‌سازند.

جایگزین‌های نوع نخست

در این نوع از جایگزین‌ها سخن از شخصی کردن مجازات حبس در بعد اجرایی آن و هدف کاستن از مضرات حبس در مرحله اعمال آن است. از جمله این جایگزین‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نیمه آزادی یا حبس نیمه (پاره) وقت: در فرانسه و بلژیک اعزام زندانی به خارج از زندان به منظور انجام کار: در هلند و سوئیس اعزام زندانی به محیط باز به لحاظ مسائل پزشکی و به علت بیماری ... که مجرم مدت حبس خود را در نقاهتگاه طی می‌کند: در سوئیس، آلمان، انگلستان و فرانسه.
حبسهای پایان هفته ای که به محکوم اجازه می‌دهد روزهای کاری خود را در اختیار شغل خود و خانواده اش باشد و بدین ترتیب حبس به بیکاری و انفکاک وی از زندگی اجتماعی منجر نگردد: در سوئیس، بلژیک، آلمان، هلند، پرتغال و ...

حقوق جزای عمومی ۵۴۵

حبسهای خانگی که به موجب آن، فرد محکوم مکلف به اقامت در خانه و منع رفت و آمد به خارج از منزل، همراه با نظارت الکترونیکی می‌گردد. این رژیم جدید، امکان کنترل جابجایی و رفت و آمدهای محکوم را به کلانتری و زندان محل می‌دهد: در اسپانیا، ایتالیا و

مراقبت یا نظارت الکترونیکی (که در علم پزشکی ریشه دارد) برای نخستین بار مورد توجه روان شناس آمریکایی - شویتس گیل - در ۱۹۶۰ قرار گرفت. وی تصمیم گرفت که با نصب مچ بند و پابندهایی به بیماران روانی، آنها را از حالت بستری دائم در بیمارستان روانی خارج سازد و بدین وسیله آنها را از راه دور کنترل نماید. این روش به تدریج مورد توجه جرم شناسان، کیفرشناسان و قانونگذاران قرار گرفت. رژیم نظارت الکترونیکی معمولاً در مورد ضرب و شتمها و خشونت‌های خانوادگی، رانندگی در حال مستی و به طور کلی در جرایم خفیف اعمال می‌شود و از جمله اهداف آن تخلیه زندانها و انسانی کردن درمان بیماران روانی بوده است.

جایگزین های نوع دوم

این جایگزین های شامل اقدام هایی می‌شوند که به عنوان ضمانت اجرای اصلی (کیفر مستقل) جایگزین حبس شده و عمدتاً در حکم قاضی دادگاه پیش بینی و قید می‌گردند. قسم اخیر را می‌توان به چهار نوع تقسیم کرد:

الف) جایگزین های نقدی (مالی) و اقدام های مشابه

از این نوع جایگزین ها می‌توان به جریمه و به ویژه جریمه روزانه (کیفرهای نقدی قسطی) اشاره کرد که در آلمان بسیار مورد استفاده است. آلمان از نخستین کشورهایی است که به فردی کردن جریمه - یعنی تناسب آن با وسع مالی و درآمد مجرم - مبادرت ورزید. از اقدام های مالی مشابه در خصوص جبران خسارت بزه دیدگان می‌توان غرامت (Compensation) را در نظام کیفری انگلستان ذکر کرد که جایگزینی برای حبس به شمار می‌رود. اقدام مالی مشابه دیگر به شکل «قراره‌های

۵۴۶ مباحثی در علوم جنایی

کیفری» است. برای نمونه، در آلمان، بزهکاران نوجوان و جوان به واریز کردن مبلغی به حساب نهادها یا انجمن‌های خیریه محکوم می‌شوند. این محکومیت به نفع خزانه دولت نیست. بلکه جزو منابع انجمن های خیریه - نظیر انجمن مبارزه با اعتیاد یا سرطان - به حساب می‌آید. در نهایت، از اقدام های مالی مشابه دیگر باید از «ضبط درآمدها و سودهای حاصل از ارتکاب جرایم اقتصادی» نام برد که به حساب دولت واریز می‌شود.

ب) جایگزین های محروم کننده یا سالب حقوق

مهمترین جایگزین های این دسته عبارتند از:

منع رانندگی خودرو (در انگلستان و هلند)

ضبط درآمد ناشی از جرم یا استرداد مال ناشی از آن

اقدام های ترتیبی یا همراه با تحمیل تکالیف خاص

ضمانت اجراهای شفاهی (مانند اخطار : Caution سرزنش و نصیحت ...).

آزادی همراه با مراقبت که با نظام آزادی مشروط متفاوت است (در ایتالیا).

ترمیم خسارت ناشی از جرمی که مجازاتش حداکثر سه ماه حبس باشد (در

پرتغال).

تعلیق آزمایشی (Probation) یا تعلیق ساده (Simple Suspension) (در

انگلیس یا دانمارک)

آموزش و تربیت روزانه (Daily Training) که یک نوع کارآموزی روزانه

محسوب می‌شود.

کار به نفع جامعه (خدمات عمومی) که در ۲۵ سال اخیر وسیعاً جایگزین حبس

شده است. (Community Service)

ج) پروبایسون یا تعلیق آزمایشی

اینگونه از جایگزین ها، مستلزم دو مرحله احراز مجرمیت متهم و سپس عدم صدور حکم محکومیت وی است که به احکام تعویقی مشهورند. مصادیق این گونه از جایگزین ها عبارتند از: تعویق صدور حکم محکومیت و معافیت از مجازات.

تعویق صدور حکم محکومیت (Deffering of sentence)

ماده ۶۰-۱۳۲ قانون جزای فرانسه به «تعویق یا تعلیق صدور حکم» (مجازات) اشاره کرده است. این احکام که به احکام تعویقی مشهورند خود بر دو قسم اند: ساده و آزمایشی. در ماده ۶۰-۱۳۲ چنین آمده است که زمانی که به نظر دادگاه، بازپذیری مجرم در شرف تحقق باشد و خسارت وارده بر بزه دیده در دست جبران و همچنین پیامد اجتماعی جرم (بر هم خوردن نظم عمومی) در شرف توقف باشد، دادگاه خواهد توانست صدور حکم مجازات را به تعویق بیندازد. در اینصورت قاضی در حکم خود تاریخی را که برای صدور واقعی حکم محکومیت در نظر می‌گیرد، مشخص خواهد کرد. تعویق صدور حکم از جمله مواردی است که حضور شخصی حقیقی (متهم) و نماینده شخص حقوقی (در صورتی که متهم، شخص حقوقی باشد) در دادگاه ضروری است و در نتیجه، تعویق صدور حکم غیابی ممنوع است که این خود از مصادیق بارز «اصل شخصی کردن مجازاتها» است.

در ماده ۶۲-۱۳۲ قانون جزای فرانسه آمده است که تصمیم نهایی در مورد صدور حکم مجازات، یکسال پس از نخستین تصمیم تعویق صورت می‌پذیرد. در جلسه جدیدی که برای تصمیم گیری نهایی برگزار می‌شود، قاضی می‌تواند متهم را از مجازات معاف دارد یا وی را به کیفر مقرر در قانون محکوم کند و یا بار دیگر صدور حکم مجازات وی را با لحاظ شرایط ماده ۶۰-۱۳۲ به تعویق اندازد.

بدین ترتیب، شروط سه گانه تعویق صدور حکم وفق ماده ۶۰-۱۳۲ قانون جزای

فرانسه عبارتند از:

۵۴۸ مباحثی در علوم جنایی

قریب الوقوع بودن بازپذیری و اصلاح مجرم (فردی کردن مجازات).

در شرف جبران بودن منافع از دست رفته بزه دیده (جبران خسارت)

در شرف جبران بودن منافع جامعه (ترمیم نظم مختل شده به وسیله جرم)

معافیت از مجازات (Absolute discharge)

مطابق ماده ۵۹-۱۳۲ قانون جزای فرانسه، حکم معافیت از مجازات زمانی صادر می‌شود که باز پذیرى مجرم محقق، خسارت وارده به مجنی علیه جبران و اختلال ناشی از ارتکاب جرم متوقف شده باشد. دادگاه در این مورد اختیار خواهد داشت که تصمیم معافیت را در سجل قضایی مجرم ثبت نکند. معافیت از مجازات شامل معافیت از پرداخت هزینه های دادگاه برای مجرم نخواهد شد.

چنانچه دو ماده ای را که شرحشان گذشت با یکدیگر مقایسه کنیم تفاوت تعویق صدور حکم و معافیت از مجازات را در می‌یابیم:

مطابق ماده ۵۹-۱۳۲ قاضی باید در خصوص اصلاح مجرم، ترمیم خسارت بزه دیده و بازگشت آرامش به جامعه اطمینان حاصل کرده و پس از احراز این سه شرط با حصول اطمینان، مجرم را از مجازات معاف دارد، در حالی که حسب ماده ۶۰-۱۳۲ قاضی باید این شرط را در شرف تحقق ببیند و به همین جهت صدور حکم را به مدت یک سال معوق می‌کند.

د) خدمات عمومی یا کار عام المنفعه

از جمله جایگزین های جدید کیفر سالب آزادی که در زمره ضمانت اجراهای اصلی جایگزین حبس محسوب می‌شود حکم به انجام یک کار عام المنفعه یا کیفر خدمات عمومی است. محکومان به این کیفر با پذیرش این حکم ملزم می‌شوند در تمام مدت مقرر، توسط دادگاه به جای رفتن به زندان به انجام کارهای الزامی در محیط کار خود یا در محیط کار دیگری که از سوی مقامات قضایی مشخص می‌شود، پردازند. این تدبیر برای نخستین بار در سال ۱۹۲۰ مورد توجه سیاستگذاران جنایی فرانسه قرار

حقوق جزای عمومی ۵۴۹

گرفت ولی در سال ۱۹۸۵ به عنوان کیفر جایگزین وارد حقوق جزای این کشور شد. به موجب ماده ۸-۱۳۱ قانون جزای فرانسه که کیفیت اعمال این مجازات را پیش بینی می‌کند قاضی دادگاه می‌تواند به جای مجازات حبس، محکوم را مشمول حکم انجام یک کار عمومی قرار دهد. مدت اشتغال به کارهای عام المنفعه بین ۴۰ تا ۲۴۰ ساعت است که حداکثر در ۱۸ ماه باید به انجام برسد. صدور حکم کیفر خدمات عمومی به صورت حضوری صورت می‌پذیرد و با حضور متهم در جلسه دادگاه، قاضی پس از تفهیم حق ردّ کیفر خدمات عمومی به متهم، در صورت موافقت صریح او با این کیفر به صدور حکم محکومیت کار عمومی مبادرت می‌ورزد. در غیر اینصورت قاضی کیفر حبس صادر می‌کند. پس از صدور حکم، شیوه و طرز اجرای کیفر خدمات عمومی به عهده قاضی مسؤول اجرای مجازاتهاست.

امتیازها و ایرادهای کار عمومی

از جمله فواید کیفر خدمات عمومی، «جلوگیری از آثار نامطلوب روانی و اجتماعی زندان» یاد شده است، به این توضیح که اشتغال به کارهای عام المنفعه از خطرهای مضرات زندان کاسته و مانع تماس محکوم به حبسهای کوتاه مدت با بزهکاران حرفه ای و خطرناک می‌گردد و همچنین رادع از هم گسیختگی خانوادگی و اجتماعی محکومان می‌شود.

در کنار این امتیازها، کیفر خدمات عمومی ایرادهایی را نیز برانگیخته است، که یکی از آنها مغایرت اجبار محکوم به انجام کار عمومی با اصل آزادی است، زیرا مطابق مقررات بین المللی انجام کار اجباری و بیگاری ممنوع شناخته شده است. از سوی دیگر در صورت تخلف محکوم، از انجام کار، دادگاه او را به زندان بسته باز می‌گرداند.

۵۵۰ مباحثی در علوم جنایی

با وجود این ایرادها، خدمات عمومی نه تنها در سطح حقوق داخلی کشورهای پیشرفته، بلکه حتی در سطح سیاست جنایی سازمان های بین المللی نیز مورد توجه و عنایت واقع شده است.

جایگزین های نوع سوم

منظور از این جایگزین ها اقدام هایی است که زمینه اجتناب از اجرای مجازات حبس یا اجتناب از صدور محکومیت حبس را فراهم می‌سازند:

الف) تعلیق

در نظامهای کیفری معاصر و جنبشهای اخیر حقوق کیفری، از تعلیق اجرای مجازات به عنوان یکی از ابزارهای کیفر زدایی یاد شده است که آثار مطلوبی برای نظامهای جزایی دارد. تدبیر تعلیق به عنوان جایگزین کیفر حبس به سه شکل، مورد توجه قانونگذاران مختلف قرار گرفته است:

روش تعلیق ساده یا قاره ای: نظام پروبیشن انگلیسی. آمریکایی؛ نظام پروباسیون فرانسوی.

روش تعلیق ساده یا اروپای قاره ای

برای نخستین بار در قالب قانون جزای ۱۸۹۱ فرانسه وارد حقوق این کشور شد. در این نوع از تعلیق ضمن تعیین مجازات از سوی دادگاه، اجرای آن معلق می‌گردد. اما در نظام تعلیق آزمایشی، محکوم در مدت تعلیق مکلف به رعایت و انجام تکالیفی است که از سوی دادگاه برای وی مقرر می‌شود. در محدوده نظام تعلیق آزمایشی نیز میان دو سیستم انگلیسی-آمریکایی (پروبیشن) و فرانسوی آن (پروباسیون) تفاوتها و شباهتهایی وجود دارد، به این توضیح که در هر دو نظام، محکوم مکلف به رعایت و انجام تکالیف مقرر بوده و تحت مراقبت ماموران ویژه و مددکاران اجتماعی قرار می‌گیرد. ولی در تفاوت این دو سیستم باید گفت که روش پروبیشن بر دو رکن

«رضایت محکوم علیه» و «احراز مجرمیت از سوی قاضی بدون صدور حکم محکومیت» استوار است، حال آنکه در نظام پروبایسیون فرانسوی به رضایت مجرم نیازی نبوده و اجرای تعلیق مستلزم صدور قبلی حکم محکومیت است.

ب) تخفیف

پیدایش رژیم تخفیف به جریانهای پیش از دو ثلث نخست سده نوزدهم باز می‌گردد. در حقوق فرانسه نیز با وجود آنکه قانون جزای ۱۸۱۰ نقش قاضی را به اعلام مجازات مطابق موازین قانونی محدود می‌ساخت، ولی مجازاتهای ثابت قانون ۱۷۹۱ را مطرود اعلام کرد و به برقراری سیستم حداقل و حداکثر مجازاتها مبادرت ورزید. در جریان اصلاح قانون ۱۸۱۰ در قالب قانون ۱۸۳۲ گام موثری در جهت تعمیم کیفیات مخففه در حقوق جزای فرانسه برداشته شد.

ج) عفو

گاهی سیاست جنایی و منافع اجتماعی ایجاب می‌کند که قانونگذار عنوان مجرمانه را بنابر مقتضیات زمانی و مکانی از اعمالی که قبلاً جرم محسوب می‌شدند، سلب نموده و با اعطای عفو از تعقیب مجرم جلوگیری به عمل آورد. چنانچه پس از آن شخص مشمول عفو مرتکب جرم مجدد شود، سابقه مورد عفو موجب مشمولیت مقررات تکرار جرم نخواهد گردید. ولی در عفو خاص، موضوع جرم منتفی نمی‌شود و در نتیجه، با ارتکاب جرم جدید، سابقه مورد عفو در مقررات تکرار جرم لحاظ خواهد گردید. در حقوق فرانسه حق عفو به موجب قانون به مقام رئیس جمهوری داده شده است.

گفتار نخست: بررسی ماهیت، رسالتها و ماهیت جایگزینهای

حبس

۱- ماهیت جایگزین ها^۱

اصولاً ماهیت جایگزین ها را از دو جنبه می‌توان مورد توجه قرار داد:

الف) مفهوم عادی (عمومی)

ب) مفهوم حقوقی

الف) مفهوم عادی

از این جنبه، دو معیار عمده را می‌توان برای جایگزین ها در نظر گرفت:

اندیشه فردی کردن مجازات

اعطای امکان انتخاب به قاضی بین دو اقدام

همانگونه که پیش از این گفته شد اصطلاح جایگزینهای کیفر سالب آزادی برای نخستین بار در سال ۱۹۷۵ وارد حقوق فرانسه شد. منظور از این بدیلهای در قانون ۱۹۷۵ کیفرهایی بود که جایگزین زندان و یا جریمه می‌شدند. این روند همچنان ادامه یافت تا آنکه در سال ۱۹۸۳ قانونگذار فرانسه با تصویب قانون جدیدی ضمانت اجراهای جدیدی را وارد حقوق فرانسه کرد که در واقع تعبیر جدیدی از جایگزینها تحت عنوان مفهوم موسع آنها قلمداد می‌شد و این جایگزینها شامل کلیه مجازاتها و اقداماتی می‌شدند که در محیط باز به اجرا درمی‌آمدند. این مفهوم شامل شیوه های اجرای حبس در محیط غیر بسته -مانند تعلیق- می‌گردید. همچنین این مفهوم، جرح و تعدیل در مرحله اجرای حبس را که از وظایف قاضی اجرای مجازاتها در حقوق

۱. برای آگاهی بیشتر در این زمینه بنگرید به محمد آشوری، جایگزین‌های زندان یا مجازاتهای بینابین،

حقوق جزای عمومی ۵۵۳

فرانسه به شمار می‌رود در بر می‌گیرد. اما در قانون ۱۹۸۳ عده ای با مفهوم موسع جایگزینها مخالفت ورزیدند. اینان با اطلاق جرح و تعدیل در نحوه اجرای حبس به عنوان جایگزین موافق نبوده و بدین ترتیب از مفهوم مضیق جایگزینها طرفداری کرده اند. در مفهوم اخیر جایگزین کیفری است که قاضی محکمه به عنوان محکومیت اصلی به جای حبس در حکم خود پیش بینی می‌کند.

ب) مفهوم حقوقی

از بعد حقوقی این پرسش مطرح شده است که آیا این بدیلها همان مجازاتهای معروف حقوق جزا هستند یا اقدامات تأمینی جرم شناسی محسوب می‌شوند؟ قانونگذار فرانسوی در این مورد سکوت اختیار کرده ولی دکتترین فرانسه در این زمینه چنین اظهار نظر نموده است: آقای ژان پرادل قاضی سابق دادگستری فرانسه و استاد و مدیر کنونی موسسه علوم جنایی پواتیه در این زمینه معتقد است که کیفرهای کوتاه مدت حبس، توده وسیعی از مجازاتها را در حقوق فرانسه تشکیل می‌دهند و با توجه به اینکه بر این کیفرها از جهت «جرم زا بودن» اشکال وارد شده است بنابراین لازم شد که اقدامات دیگری بجای آنها پیش بینی شوند. بدین ترتیب قانونگذار فرانسوی برای به حداقل رساندن معایب زندانهای کوتاه مدت تدابیر مختلفی را پیش بینی کرد. از جمله اینکه گاه میزان آنها را در قانون کاهش داد و یا از روش معافیت از مجازات استفاده کرد. راه حل دیگری که قانونگذار فرانسه پیش بینی کرده تکلیف قضات به مستدل نمودن احکام کیفرهای کوتاه مدت حبس است و در نهایت تدبیر دیگر قانونگذار فرانسه، «جایگزینهای مجازات حبس» بوده است. در قانون ۱۹۸۳ این جایگزینها به عنوان کیفرهای جایگزین حبس قلمداد شدند، نظیر متوقف کردن خودرو، انجام خدمات عمومی و یا جریمه های روزانه. به نظر آقای پرادل اگرچه عنوان این جایگزینها کیفر است اما بعضاً می‌توان آنها را اقدام تأمینی نیز تلقی کرد. زیرا زمینه جامعه پذیری مجدد بزهکار را فراهم می‌سازند و با سقوط مجدد او در

۵۵۴ مباحثی در علوم جنایی

بزهکاری مبارزه می‌کنند. با وجود این، در کنار این قبیل جایگزینها ضمانت اجراهایی وجود دارند که از خاصیت سرکوبگر- کیفری برخوردارند، نظیر تعلیق یا جریمه روزانه.

بنابراین آقای پردال معتقد است از آنجا که این جایگزینها در قانون به عنوان کیفر قلمداد شده اند و جایگزین حبس به عنوان کیفر اصلی می‌گردند، لذا باید آنها را ضمانت اجراهای کیفری (مجازات) در نظر گرفت، مضافاً به اینکه بسیاری از این بدیلها رابطه ای با موضوع جرم ارتكابی (مجرم) ندارند حال آنکه اقدامات تأمینی که ناظر بر حالت خطرناک اند معمولاً با موضوع جرم (مباشر جرم) در ارتباطند.

در کنار جایگزین هایی که در حکم دادگاه قید می‌شوند، جایگزینهایی در نحوه اجرای حبس هم وجود دارند که در مفهوم موسع، جایگزین نام گرفته اند چرا که یا سبب تحدید اجرای حبس یا انتفای آن می‌گردند. در خصوص این قبیل جایگزینها نیز باید گفت که باز هم با جایگزینهایی با ماهیت دوگانه مواجهیم، مثلاً خاصیت کیفری در تاسیس تعلیق بر خاصیت اقدام تأمینی آن برتری دارد، اما در موردی چون دستور مداوا و درمان، برعکس، وصف تأمینی- تربیتی آن بر وصف کیفری غلبه دارد، چرا که حکم مداوا و درمان با حالت خطرناک مجرم در ارتباط است و یا در مفهوم موسع، ممنوعیت انجام یک فعالیت، ضبط آلت جرم یا ضبط شیء ناشی از جرم، جملگی به دنبال جلوگیری از تکرار جرم (جرم ثانویه) هستند.

۲- فواید یا رسالتهای جایگزینها

عده ای از حقوقدانان معتقدند که برای گسترش جایگزینها باید سه معیار برای آنها در نظر گرفت که از آنها به عنوان «رسالتهای جایگزینها» می‌توان یاد نمود:

۱- اصلاح و درمان که در جریان آن مجرمان مشمول اقدامات جایگزین به جامعه مدنی سپرده می‌شوند و نماد بارزی از سیاست جنایی مشارکتی به شمار می‌رود.

چنان که در ابتدا این کیفرهای حبس کوتاه مدت هستند که توجه قانونگذاران را بخود جلب می‌کنند چرا که مطالعات همواره نشان داده اند کیفرهای جایگزین بویژه برای مجرمین بی سابقه مشکل ساز هستند، چنان که در مورد کیفرهای ۸ تا ۱۰ روز این مطالعات مؤید این مطلبند که شوکی نجات بخش برای مضمولان تدابیر جایگزین می‌تواند تلقی گردند. اما زندانهای ۱۰ روز تا ۳ ماه مضرتترین کیفرها تشخیص داده شده اند زیرا ضمن آنکه فاقد خصیصه ارباب انگیزی هستند به فرایند جامعه پذیری بزهکار و روابط خانوادگی- شغلی او خلل وارد می‌سازند حال آنکه بزهکاران مضمول این حبس ها معمولاً خطرناک نیستند.

از دیگر ایراداتی که به حبسهای کوتاه مدت ۱۰ روز تا ۳ ماه وارد شده است عدم کفایت مدت برای اجرای برنامه های اصلاحی- درمانی است. این دلایل سبب شد که قانونگذار فرانسه نیز در سال ۱۹۷۵ ابتدا حبسهای کوتاه مدت را مضمول سیاست جایگزین نماید. اما این به معنای برچیده شدن کامل نظام حبسهای کوتاه مدت تا سه ماه نیست، چرا که برای مثال در فرانسه از سال ۱۹۹۲ قاضی مکلف است در صورتیکه انتخاب حبس کوتاه مدت را به جایگزین آن ترجیح دهد انتخاب خود را مستدل و مستند نموده و بدین ترتیب گزینش خود را از ضمانت اجرا برخوردار سازد.

۳- اهمیت جایگزینها

جایگزینها سبب می‌شوند که دوران مجازات (نحوه اجرا) به شیوه دیگری به انجام برسد. به این معنا که مجازات اجرا می‌شود ولی در نحوه اجرای آن تفاوت خواهد بود. برای مثال در بدیل نیمه آزادی، محکوم مجاز به حفظ روابط خود با دنیای خارج زندان خواهد بود در عین حالی که زندان را نیز تحمل می‌کند. بدیهی است که این تدبیر نسبت به کسانی قابل اجرا خواهد بود که نسبت به آنها اعتماد وجود داشته باشد و بتوان در حق آنان نوعی ارفاق قائل شد.

۵۵۶ مباحثی در علوم جنایی

از سویی دیگر باید به امتیازهای جایگزینها نظیر مبارزه با تکرار جرم و اجرای برنامه های اصلاحی مجرم و بازپذیری او به اجتماع اشاره کرد. مثلاً در بدیل کار عام المنفعه، مجرم مجاز به کار و حفظ رابطه خود با جامعه خارج از زندان خواهد بود. نوع این کار را قاضی با توجه به نوع جرم ارتكابی تعیین می‌کند، چنان که در جرایم رانندگی کسی که به خاطر رانندگی در حال مستی مرتکب خلافی شده مکلف به کار در بیمارستان حوادث و سوانح شده یا در روزهای آخر هفته در اورژانسها کار می‌کند و بدین ترتیب از نزدیک مجروحان رانندگی و آلام آنها را مشاهده می‌کند و عبرت می‌گیرد. از دیگر تکالیفی که قاضی می‌تواند برای این قبیل مجرمان تعیین کند کار در انجمن ها یا مراکز امداد رسانی به بزه دیدگان است... این مراکز اهدافی چون معاضدت پزشکی و اجتماعی و فرهنگی و... را دنبال می‌کنند. در همین راستا باید به تدبیر جبران خسارت بزه دیده نیز اشاره کرد. در این شکل از تدابیر، پرداخت خسارت در حکم مجازات تلقی شده و بدین ترتیب مجرم از مجازات حبس رهایی پیدا می‌کند. این تدابیر:

۱- احساس مسؤولیت را در بزهکار تقویت می‌نماید.

۲- او را با مفاهیم مال و مالکیت آشنا می‌سازد و به وی این امکان را می‌دهد که خسارت مالی ناشی از عملش را لمس کند.

بنابراین ملاحظه می‌شود که خصیصه قهرآمیز جایگزینها از حبس کمتر نیست اما ضمن آن از خاصیت اقدامات تأمینی نیز برخوردار هستند. خصیصه اخیر به معنای اخف بودن بدیلها نسبت به مجازاتهای حبس نیست و بنابراین بدیلها را نباید دارای جنبه ارفاقی صرف دانست. تنها تفاوت آنها با حبس این است که قاضی با اطلاع دقیق از وضع مجرم، کیفر و ضمانت اجرای مناسبتری برای او در نظر می‌گیرد. جایگزینها به قاضی اجرای مجازاتها- در فرانسه- اجازه می‌دهند تا در مرحله اجرا شیوه اعمال سالب آزادی را بنابر شیوه جدیدی تنظیم نماید، آن چنان که کیفر سالب

حقوق جزای عمومی ۵۵۷

آزادی در محیطی غیر از محیط بسته به اجرا درآید. در نتیجه، اعمال و بکارگیری جایگزینها زمانی مفید واقع می‌شود که قاضی همچون یک پزشک، آگاهانه به تجویز اقدام مقتضی مبادرت ورزد.

گفتار دوم: شرایط اجرا و اعمال جایگزینها

در باب شرایط اعمال جایگزینها می‌توان سه معیار در نظر گرفت و جایگزینها را برحسب این سه معیار دسته بندی کرد:

- معیار زمان صدور حکم.

- معیار مقامات قضائی تصمیم گیرنده.

- معیار افرادی که مشمول اقدامات جایگزینی قرار می‌گیرند.

۱- طبقه بندی جایگزینها بر اساس معیار زمان صدور حکم

اصولاً باید گفت که جایگزینها در قلمرو جرایم جنحه ای و خلاف مورد استفاده قرار می‌گیرند. جرایم جنحه‌ای مشمول سیاست جایگزینی، جرایم معینی هستند که غالباً مشمول حبسهای کوتاه مدت قرار می‌گیرند. همچنین در قلمرو خلافها، این خلافهای نوع پنجم (که شدیدترین خلافها و نزدیک به جنحه می‌باشند) هستند که مشمول جایگزینها واقع می‌گردند. بدین ترتیب بهنگام صدور حکم، قاضی دادگاه جنحه یا خلاف خواهد توانست بجای حبسهای کوتاه مدت، اقدامات دیگری را در حکم خود بگنجانند. این اقدام ها در دو ماده ۶-۱۳۱ و ۱۴-۱۳۱ قانون جزای فرانسه پیش بینی شده اند.

اقدامات جایگزینی در ماده ۶-۱۳۱ یازده مورد را شامل می‌شوند، ضمن آنکه در صدر ماده آمده که این جایگزینها ممکن است بهنگام صدور حکم حبس به عنوان کیفر تکمیلی آن نیز منظور گردند:

- تعلیق پروانه رانندگی برای حداکثر ۵ سال.

۵۵۸ مباحثی در علوم جنایی

- منع رانندگی برخی وسائط نقلیه برای حداکثر ۵ سال.

- لغو پروانه رانندگی همراه با ممنوعیت تقاضای مجدد برای حداکثر ۵ سال.

- ضبط وسیله نقلیه یا وسائط نقلیه متعلق به مجرم.

- متوقف کردن موقت وسیله نقلیه حداکثر بمدت یکسال.

- ممنوعیت حمل اسلحه مجوز دار یا داشتن اسلحه برای حداکثر ۵ سال.

- ضبط اسلحه ای که از آن مجرم است یا مجرم به آن دسترسی داشته است.

- ضبط پروانه شکار همراه با ممنوعیت تقاضای مجدد برای صدور آن حداکثر

بمدت ۵ سال.

- ممنوعیت داشتن دسته چک یا صدور چک یا ممنوعیت استفاده از کارتهای

اعتباری بمدت حداکثر ۵ سال.

ضبط شئی یا آلتی که برای جرم بکار رفته یا قرار بوده است بکار برده شود یا از

ارتکاب جرم حاصل شده باشد.

- ممنوعیت پنج ساله برخی از فعالیتهای شغلی و اجتماعی به این شرط که

تسهیلات آن فعالیت آگاهانه در ارتکاب جرم یا تدارک آن مورد استفاده قرار گرفته

باشد (مصادق بارز اقدام تأمینی).

ماده ۱۴-۱۳۱ از همین قانون اقدام های جایگزین شامل خلافهای درجه پنجم را

احصا نموده است:

- تعلیق پروانه رانندگی بمدت یکسال.

- متوقف کردن وسیله نقلیه محکوم برای مدت حداکثر ۶ ماه.

- ضبط اسلحه مجرم یا تسهیلاتی که مجرم آزادانه به آنها دسترسی داشته است.

- ضبط پروانه شکار با ممنوعیت تقاضای مجدد حداکثر یکسال.

- منع داشتن چک یا استفاده از کارت اعتباری بمدت حداکثر یکسال.

- ضبط مال حاصله از جرم.

۲- طبقه‌بندی جایگزینها بر اساس معیار مقامات تصمیم گیرنده

مقامات تصمیم گیرنده در زمینه جایگزینها برحسب مورد، قاضی صادر کننده حکم (محکمه)، دادسرا و یا قاضی اجرای مجازاتها را شامل می‌گردند. قاضی صادر کننده حکم چنان که پیش تر گفته شد، مخیر خواهد بود که از میان مجازات حبس و جایگزینهای آن یک مورد را انتخاب کند. بنابراین قاضی دادگاه، حق انتخاب میان این دو تصمیم را خواهد داشت. از مراجع دیگر تصمیم گیرنده در مورد جایگزینها باید به دادسرا اشاره کرد. دادسرا در حقوق فرانسه اصولاً وظیفه اجرای محکومیت صادره را مطابق قانون به عهده دارد و هدف اجرای کامل و مفید مجازات را و اینکه اجرای مجازات شامل افرادی شود که در حکم از آنها نام برده شده است، دنبال می‌کند. دادسرا در خصوص کیفرهای حبس همواره با مشاوران بازپذیری یا مربیان تربیتی و مشاوران پروباسیون که در سازمان زندانها به کار مشغولند و با قاضی اجرای مجازاتها در تماس دایم اند، از سال ۱۹۵۸، ماده ۱-۷۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری، مقام جدیدی را تحت عنوان قاضی مسؤول اجرای مجازاتها ایجاد نموده است. این مقام پس از صدور حکم دادگاه، جانشین قاضی محکمه شده و از توانایی دخل و تصرف در چگونگی اجرای مجازات حبس برخوردار است. همچنین او مجاز خواهد بود که در مدت مجازات حبس با نظر دادگاه و یا در اجرای مجازات با نظر دادسرا، جرح و تعدیل نماید. ولی باید در نظر داشت که قاضی اجرای مجازاتها در فرانسه در مورد کیفرهای حبسی که در محیط باز باید سپری شوند دارای اختیارات گسترده‌ای است حال آنکه در خصوص حبسهای اجرا شده در محیط بسته (زندان) از اختیارات محدودی برخوردار است. به هر تقدیر قاضی اجرای مجازاتها برای انجام اختیارات خود، گاه مستقیماً دست به این اقدام می‌زند و گاه به عنوان عضو کمیته پروباسیون یا امداد رسانی به آزادشدگان از زندان عمل می‌کند.^۱

۵۶۰ مباحثی در علوم جنایی

با توجه به آنچه گذشت می‌توان چنین گفت که در خصوص اعمال و اجرای جایگزینها، قاضی اجرای مجازاتها، دادسرا و دادگاه به اتفاق یا مستقلاً اظهار نظر نموده و اقدام می‌نمایند و غایت اقدامات این مراجع، جلوگیری از اجرای محکومیت حبس یا تغییر در مدت یا نحوه اجرای آن است

۳- جایگزینها بر اساس کسانی (مجرمانی) که مشمول آنها قرار

می‌گیرند

همانطور که گفته شد، اصولاً در خصوص جایگزینها این، مقامات قضایی نظیر قاضی دادگاه، دادسرا یا قاضی اجرای مجازاتها هستند که به اتفاق یا مستقلاً تصمیم می‌گیرند و بنابراین، نظر محکوم علیه در این زمینه تأثیری ندارد، ولی باید توجه داشت که در دو مورد، جلب رضایت محکوم علیه نیز لازم شمرده می‌شود:

نخست زمانی که قاضی بخواهد مجرم را به انجام خدمات عمومی محکوم کند. دلیل این جلب رضایت آن است که بنابر اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین سازمان ملل و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، قانونگذار فرانسه کار اجباری را از هر نوع ممنوع نموده و بنابراین در مورد کار- حتی برای شخص زندانی- حتماً باید رضایت او جلب گردد.

دوم: در مورد صدور حکم بر مبنای مداوا و درمان مجرم (بویژه در مورد مجرمان جنسی) و برنامه‌های کنترل اجتماعی و قضایی باید رضایت بزهکار جلب شود.

در مورد افرادی که مشمول جایگزینها واقع می‌شوند معیارهایی چند باید لحاظ گردد:

سن، وضعیت سوابق و حال متهم، سوابق خانوادگی و تحصیلی متهم.

بولک (برنار)، کیفرشناسی، ترجمه دکتر ع. ح نجفی ابرند آبادی، انتشارات مجد، چاپ سوم،

۱. برای آشنایی بیشتر با وظایف و اختیارات قاضی اجرای مجازاتها او در حقوق فرانسه بنگرید به

اصولاً جایگزینها در هر دو گروه سنی کبار و صغار را شامل می‌شوند ولی باید توجه داشت که تدابیر معمول در مورد اشخاص حقوقی، ضبط و جریمه است چرا که حبس و جایگزینهای دیگر آن در خصوص آنها قابل اعمال نیستند. از جمله جایگزینهایی که برای دو گروه سنی صغار و کبار بکار می‌روند می‌توان به تعلیق ساده و توأم با آزمایش، خدمات عمومی، حکم مداوا و درمان اشاره کرد. ولی پس از صدور حکم، قاضی اجرای مجازاتها می‌تواند از تدابیر دیگری چون تأسیس نیمه آزادی، کار در خارج زندان، آزادی مشروط یا نظارت الکترونیکی استفاده کند. نکته آخری که در باب سن باید بدان توجه داشت این است که جریمه های روزانه و کیفرهای ماده ۶-۱۳۱ قانون جزای فرانسه فقط شامل کبار می‌شوند.

سوابق کیفری

در مورد کیفرهای مندرج در ماده ۶-۱۳۱ باید گفت که سوابق کیفری متهم تأثیری ندارد. بنابراین کیفرها ممکن است شامل تکرار کنندگان جرم هم بشود. دلیل این موضوع آن است که در جرایم جنحه ای و خلاف که مشمول سیاست جایگزینها واقع می‌شوند، با خطرناکی مجرمان مواجه نیستیم.

سایر جایگزینها نظیر جریمه های روزانه و تعلیق همراه با کار عام المنفعه و یا توأم با آزمایش برای سابقه قضایی زیر ۵ سال قابل اعمال اند. در مورد خدمات عمومی زمانی قابل صدور است که محکومیت متهم بدون احتساب تعلیق و بصورت قطعی از چهار ماه تجاوز نکند. در مورد آزادی مشروط چنانچه بزهکاری بدون سابقه باشد، باید $\frac{1}{4}$ محکومیت خود را طی کرده باشد و اگر سابقه تکرار جرم داشته باشد $\frac{2}{3}$ حبس خود را باید گذرانده باشد. در خصوص رژیم نیمه آزادی نیز زمانی قابل اعمال است که محکومیت مجرم حداکثر تا یکسال بوده باشد و سرانجام، در مورد

جایگزینهای کیفر سالب آزادی خارج از زندان (محیط باز) زمانی قابل صدورند که محکوم علیه قبلاً سابقه محکومیت بیش از چهار ماه نداشته باشد.

وضعیت کیفری

منظور از این وضعیت، میزان مجازات صادره در حکم و در مواردی، باقیمانده مجازاتی است که محکوم ملزم به تحمل آنست. قسمت اخیر (باقیمانده مجازات) شامل جرح و تعدیل و دخالت در نحوه اجرای کیفر می‌شود. در هر حال پیرامون میزان مجازات یا باقیمانده آن، قاضی محکمه یا قاضی اجرای مجازاتها در زمان صدور حکم یا در زمان شروع کیفر سالب آزادی یا در جریان (طی) اجرای آن، با توجه به شرایط مادی و خانوادگی و نیازها و شرایط جسمانی، تصمیم به فردی کردن مجازات می‌گیرند.

گفتار سوم: خصوصیات جایگزینهای خاص یا ویژه

جایگزینهای خاص یا ویژه که موضوع این گفتار را تشکیل می‌دهند از جمله جدیدترین جایگزینها و نسل جدید جایگزینها در حقوق جزا محسوب می‌شوند. این ضمانت اجراها به دو دسته تقسیم می‌شوند:

ضمانت اجراهای خاص شامل اعتیاد به الکل و مواد مخدر و جرایم جنسی و حکم مداوا و درمان راجع به آنها.

ضمانت اجراهای مربوط به نحوه و شیوه اجرای کیفر سالب آزادی، شامل نظارت یا مراقبت الکترونیکی.

۱- مکانیسمهای خاص در مورد اعتیاد و جرایم جنسی

اصولاً مسأله تناسب بین تعقیب و جرم یا اصل مناسبت داشتن (مفید بودن) تعقیب کیفری^۱ در برخی نظامها نظیر فرانسه به دادستان اجازه می‌دهد تا بجای صدور کیفرخواست مبادرت به صدور قرارهایی نماید تا به این وسیله، جرم در دادسرا و مرحله تحقیقات مقدماتی حل و فصل گردد. از جمله این قرارها می‌توان به قرار میانجیگری اشاره کرد که دادستان، شخص ثالثی را خارج از دادسرا و دادگاه تعیین می‌کند تا میان متهم و بزه دیده مأموریت میانجیگری انجام دهد تا چنانچه مأموریت موفقیت آمیز باشد از تعقیب کیفری متهم خودداری ورزد.

از دیگر قرارها در این زیر مجموعه، قرار مداوا و درمان است که دادستان در موردی به جای صدور کیفرخواست، برای متهم معتاد به الکل یا مواد مخدر صادر می‌کند تا چنانچه اعتیاد خود را ترک نماید از تعقیب کیفری او خودداری ورزد. اما همانگونه که در گفتار نخستین از این جزوه اشاره شد این قرارها با عنوان «قرارهای جایگزین کیفری» از بحث ما خارج اند. بنابراین باید دید که به غیر از قرارهای مذکور چه مکانیسمهای دیگری در رابطه با جرایم اعتیاد به عنوان جایگزینهای کیفری سالب آزادی در حقوق فرانسه وجود دارند؟

در فرانسه اعتیاد به عنوان یک جرم در قانون جزا پیش بینی نشده بلکه در قانون دیگری به نام «قانون سلامت عمومی» مطرح شده است که در آن قاضی می‌تواند بجای اعزام معتاد به زندان، دستور یا حکم مداوا و درمان او را صادر کند و یا چنانچه در جریان رسیدگی به جرم، به اعتیاد متهم پی ببرد در صورتی که جرم ارتكابی از نوع خفیف باشد بجای صدور حکم حبس، وی را به مداوا و درمان اعتیاد محکوم نماید.

۱- برای آشنایی بیشتر بنگرید به خزانی (دکتر منوچهر)، سیستم قانونی بودن و موقعیت داشتن تعقیب کیفری، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۲، ۱۳۶۵؛ خزانی (دکتر منوچهر)، فرایند کیفری، انتشارات گنج دانش، ص ۱۰ و بعد.

۵۶۴ مباحثی در علوم جنایی

بدین ترتیب متهم با معرفی خود به مقام بهداشتی معتمد باید مبادرت به ترک اعتیاد خود نموده و دوران مداوا و درمان را با توجه به گواهی مقام بهداشتی در پایان به صورت موفقیت آمیز طی کند.

حکم مداوا و درمان ممکن است در چارچوب احکام تعویقی صادر شود، بدین ترتیب که متهم از خود قراین و اماراتی دال بر اصلاح نشان دهد به طوری که از این قراین چنین به دست آید که در شرف بازسازی و اصلاح است. در این صورت با رعایت سایر شرایط، با وجود احراز مجرمیت، هیچ حکم محکومیتی صادر نمی‌شود بلکه صدور حکم به مدت یکسال به تعویق می‌افتد تا چنانچه در این دوره یکساله جرم و تخلفی از سوی متهم سر نزنند و از سویی، متهم مبادرت به ترک اعتیاد خود نماید، اجرای مجازات در پایان دوره یکساله منتفی می‌گردد. صدور دستور یا حکم مداوا و درمان از جمله مواردی است که جلب رضایت متهم در آن ضروری است، زیرا مستلزم همکاری و مساعدت شخص معتاد است و چنانچه وی به این امر رضایت نداشته باشد با عدم همکاری و مساعدت، ترک اعتیاد و اصلاح و بازسازی او میسر نخواهد گردید.

جرم دیگری که در این زیر مجموعه به بررسی آن می‌پردازیم جرایم جنسی اعم از جرم تجاوز به عنف، روابط جنسی با صغار و روابط جنسی گروهی و عمومی است. قانونگذار فرانسه در ژوئن ۱۹۹۸ اقدامات جدیدی را برای درمان مجرمان جنسی و مراقبت از آنها اتخاذ نمود. علت اتخاذ چنین اقداماتی وقوع جرایم جنسی فجیعی بود که سبب تهییج افکار عمومی می‌شد. یکی از رفتارهایی را که قانونگذار فرانسوی در این راستا جرم انگاری نموده است جرم «تورسیم جنسی» است که شامل کسانی می‌شود که برای رفع نیازهای بیمارگونه جنسی خود به کشورهای دیگر آسیایی-آفریقایی، آمریکایی سفر می‌کنند. بدیهی است که روابط جنسی اینگونه افراد، نوعاً بیمارگونه بوده و از آنجا که مقنن فرانسوی دریافت که

حقوق جزای عمومی ۵۶۵

کشورهای توریستی (چون تایلند) اینگونه رفتارها را جرم تلقی نمی‌کنند و تنها به درآمد‌های مادی حاصله از توریسم می‌اندیشند در نتیجه از سال ۱۹۹۸ مجازات‌ها و ضمانت‌اجراهایی را برای فرانسویان توریست مرتکب چنین رفتارهایی تعیین نمود که به موجب آن چنانچه یک فرانسوی در کشور بیگانه به روابط جنسی نظیر روابط و عملیات جنسی با صغار یا فیلمبرداری از صغار در حین عمل یا بهره برداری جنسی از طریق اینترنت یا تولید صور قبیحه و مستهجن با اطفال ... مبادرت کند، در خاک فرانسه محاکمه و مجازات می‌شود. اما با توجه به ویژگی خاصی که در بیشتر این مجرمان وجود دارد- یعنی وجود حالات بیمارگونه در آنها- مقنن فرانسوی اقدامات خاصی را تحت عنوان اقدامات کنترل اجتماعی و قضایی نیز برای این قبیل بیماران روانی پیش بینی نموده است که به عنوان کیفر اصلی (جایگزین) اعمال می‌شوند. این کنترل اجتماعی و قضایی بجای جنحه های تا ده سال و جرایم جنائی تا ۲۰ سال حبس مجراست. چنانچه محکوم در دوران کنترل مرتکب تخلفی شود و یا از ارتکاب مقرر تبعیت نکند در صورتی که محکومیتش جنحه ای باشد تا دو سال حبس و چنانچه جنایی باشد تا ۵ سال حبس محکومیت پذیر است. تکالیف مجرم جنسی در دوران کنترل با تکالیف معمول در تعلیق توأم با آزمایش مشترک است. این تکالیف مطابق ماده ۴۴-۱۳۲ قانون جزای فرانسه عبارتند از:

- ۱- محکوم باید به کلیه احضاریه های قاضی اجرای مجازات‌ها و کلیه مکاتبات مربوطه پاسخ دهد.
- ۲- محکوم باید به بازدیدها و کنترل مأموران زندان و مسؤولان تعلیق آزمایشی تن دهد و اطلاعات درخواستی آنها را که عمدتاً به مشخص کردن نحوه زندگی و ممر درآمد محکوم می‌شود در اختیار آنها قرار دهد.
- ۳- محکوم باید تغییرات آدرس محل کارش را به مأمور پروبایسیون یا تعلیق آزمایشی اعلام دارد.

۵۶۶ مباحثی در علوم جنایی

- ۴- محکوم باید تغییرات آدرس منزل خود و کلیه جابجایی های خود را که بیش از ۱۵ روز به طول می‌انجامد و بازگشت خود را به مأمور پروبایسیون اعلام دارد.
- ۵- محکوم باید قبل از هرگونه جابجایی به خارج از کشور، از قاضی اجرای مجازات‌ها اجازه بگیرد.

در ادامه، به تکالیف ذکر شده موارد جدیدی اضافه شده است:

- ۱- ممنوعیت حضور در برخی اماکن بویژه اماکنی که صغار در آنجا حضور دارند مثل حوالی مدرسه و پارکها (در حکم اقدام تأمینی).
 - ۲- منع رفت و آمد با برخی اشخاص مثلاً خانواده هایی که دادگاه تعیین می‌نماید. (در حکم اقدام تأمینی).
 - ۳- منع از انجام برخی فعالیتها نظیر معلمی، مربیگری .. (در حکم اقدام تأمینی).
- علاوه بر این کنترل اجتماعی- قضایی، چنانچه محکوم از نظر پزشکی بیمار تشخیص داده شود، مداوا و درمان نیز به تکالیف بالا افزوده می‌شود. دستور مداوا و درمان چنانچه در زمان اجرای مجازات حبس ضروری تشخیص داده شود، از وظایف قاضی مسؤول اجرای مجازات‌ها است. اگر محکوم در زندان بسر می‌برده و در حال تحمل کیفر حبس باشد و در این زمان، مداوای وی ضروری تشخیص داده شود، در این صورت با تصمیم و پیگیری قاضی اجرای مجازات‌ها به بیمارستان یا کلینیک خاص اعزام می‌شود.

واکنشهای عملی در قبال جایگزینهای ویژه مجرمان جنسی

جایگزینهای ویژه مجرمین جنسی واکنشهایی را در حقوق فرانسه برانگیخته اند. از جمله اینکه با توجه به شخصیت پیچیده مجرمان جنسی و مداوای آنها به منظور مبارزه با تکرار جرم جنسی، تشخیص مداوا و درمان مناسب کاری است بس دشوار بویژه آنکه در غالب موارد رضایت مجرم ضروری است، بنابراین چنانچه مجرم در برابر درمان از خود مقاومت نشان دهد قطعاً از کارآیی درمان کاسته می‌شود.

حقوق جزای عمومی ۵۶۷

ایراد دیگر آن است که برای آن دسته از مجرمان جنسی خطرناک که نوعی احساس انزجار نسبت به آنها وجود دارد، پیش بینی جایگزین بجای حبس، اقدامی خفیف و سبک تلقی می‌شود و افکار عمومی چنین افرادی را مستحق شدت عمل و سختگیری بیشتری می‌دانند.

۲- مکانیسمهای مربوط به نحوه و شیوه اجرای کیفرسالب آزادی (نظارت یا مراقبت الکترونیکی)

این مکانیسم که در مرحله اجرای کیفر حبس مطرح می‌شود شیوه ای جهت نحوه اجرای کیفر سالب آزادی محسوب می‌گردد که در جریان آن محکوم مجازات حبس خود را بجای زندان در منزل خود سپری می‌کند و بدین جهت به حبسهای منزلی یا بدون میله مشهور شده است. این تدبیر که اخیراً و به وسیله قانون ۱۹۹۷ وارد حقوق فرانسه شده دارای شکلهای مختلفی می‌تواند باشد:

یکی از شکلهای اعمال نظارت الکترونیکی، واگذاری کنترل تعدادی از مشمولان حکم به یک مؤسسه خصوصی از سوی سازمان زندانهاست که در جریان آن سازمان زندانها، قراردادی را به مؤسسه خصوصی منعقد می‌نماید.

شکل دیگر اعمال این شیوه، کنترل مستقیم سازمان زندانها به عنوان مرجع مجری مجازات سالب آزادی است.

اعمال این تدابیر از جمله مواردی است که مستلزم کسب رضایت محکوم است و بنابراین محکوم می‌تواند به لحاظ ملاحظات خانوادگی، شغلی، اجتماعی و... حبس را بر نظارت در منزل ترجیح دهد. از جمله اهداف این تدبیر، کنترل لحظه به لحظه و پای به پای حرکات و اعمال محکوم در محل نگهداری و حصول اطمینان از انجام تکالیف مقرر در منزل است. مانند آنکه محکوم در شعاع معینی باقی بماند و یا به برخی از اماکن رفت و آمد ننماید (curfew).

۵۶۸ مباحثی در علوم جنایی

بنابراین ملاحظه می‌شود که نظارت الکترونیکی ناشی از دو بینش است: بینش مثبت این نظارت مبتنی بر این اصل است که محکوم در شعاع معینی زندگی کند و بینش منفی این مراقبت بر این اصل استوار است که محکوم حق رفت و آمد آزادانه به هر مکانی را نداشته باشد.

برای اعمال نظارت الکترونیکی دو تکنیک وجود دارد: تکنولوژی فعال و تکنولوژی انفعالی.

روش فعال

در این روش از ارتباط میان دو دستگاه فرستنده کوچک (۷۰ m) و گیرنده نصب شده در منزل محکوم، برای کنترل و نظارت وی استفاده می‌شود. گیرنده در منزل و از طریق تلفن به کامپیوتر مرکز نظارت متصل است و بدین ترتیب رایانه مرکزی با دریافت علایمی گزارش حبس منزلی را تهیه می‌نماید.

روش انفعالی

در روش منفعل، مؤسسه مسئول نظارت، با تلفن های مقطعی از حضور محکوم در منزل اطمینان حاصل می‌نماید. گاهی اوقات با وصل وسایلی چون الکل سنج به رایانه مرکزی میزان الکل مصرف شده توسط محکوم تشخیص داده می‌شود. همچنین از طریق این رایانه، امکان تشخیص صدا و هویت فرد محکوم در منزل نیز میسر است.

شرایط اعطای بدیل نظارت الکترونیکی

بزهکارانی که به حبس حداکثر تا یکسال محکوم می‌گردند و همچنین محکومینی که باقیمانده حبسشان از یکسال تجاوز نمی‌کند مشمول تدبیر نظارت الکترونیکی قرار می‌گیرند. از جمله مهمترین شرایط اعطای این جایگزین، جلب رضایت محکوم در حضور وکیل اوست، اما باید در نظر داشت که این رضایت راجع به اصل نظارت الکترونیکی است و در نتیجه، دست قاضی مسئول در مورد نحوه اعمال و اجرای آن

حقوق جزای عمومی ۵۶۹

باز است. از سویی دیگر مجرم می‌تواند نظر پزشک متخصص در خصوص استفاده و حمل مچ بند الکترونیکی را از جهت ایجاد عوارض و اختلالات عروقی استعمال نماید. و نکته آخر در این زمینه آن است که در مورد آزادی مشروط- که خود نیز یک جایگزین حبس به معنای موسع محسوب می‌شود- نیز نظارت قابل استفاده و کاربرد است، به این صورت که فرد مشمول حکم آزادی مشروط را می‌توان حداکثر به مدت یکسال مشمول پیروی از نظارت الکترونیکی به عنوان یک تکلیف قرار داد.

چگونگی اجرای نظارت الکترونیکی

در حقوق فرانسه قید «تحت نظارت قرار دادن» محکوم، بیانگر مفهوم محدودیت در فضا و مکان است که از آن به نوعی مفهوم منع را نیز می‌توان اراده کرد، نظیر منع غیبت در برخی زمانها و مکانها و یا منزل در ساعات معین و یا ممنوعیت غیبت در خارج از یک ساعت معین از محل معین.

مقام تصمیم گیرنده در مورد اعطای بدیل نظارت الکترونیکی در فرانسه قاضی اجرای مجازاتها است چرا که در این بدیل یک شیوه اجرای حبس محسوب می‌شود. بدین ترتیب قاضی اجرای مجازات در خصوص شخصیت محکوم، تحصیلات و شغل او و وجاهت اعطای این اقدام تحقیقات لازم را به عمل می‌آورد. برای مثال از جمله نکاتی که در خصوص نحوه اعمال نظارت الکترونیکی مد نظر قرار می‌گیرد، میزان مشارکت محکوم در انجام امور خانه است، نظیر بردن فرزندان به مدرسه و یا خرید منزل. بنابراین قاضی اجرای مجازات می‌تواند استثنائاتی را در حبسهای منزلی به شرحی که گذشت، برای محکوم تعیین نماید.

علاوه بر اینها قاضی اجرا قادر است یک سلسله اقدامات تکمیلی که واجد حالت امدادی (کمکی) هستند به تکالیف محکوم بیافزاید. تکالیف امدادی که به تعلیق آزمایشی نیز مربوط می‌شود در ماده ۴۳-۱۳۲ قانون جزا به شرح زیر آمده اند:

۵۷۰ مباحثی در علوم جنایی

- در طول مدت نظارت محکوم باید خود را تحت کنترل های معین قرار داده و تکالیفی را انجام دهد.

- محکوم می‌تواند در این دوره از دوره های آموزشی و کارآموزی برخوردار باشد در صورتی که این دوره ها سبب تسهیل بازپروری اجتماعی او گردند.

موارد لغو نظارت الکترونیکی

قاضی اجرای مجازاتها می‌تواند در موارد زیر نظارت الکترونیکی را لغو کند:

۱- عدم رعایت تکالیف.

۲- عدم رعایت اقدامات تکمیلی.

۳- صدور حکم محکومیت جدید.

۴- خودداری از تغییر خواسته شده (اصلاح).

۵- چنانچه محکوم تقاضای لغو این اقدام و بازگشت به زندان را نماید.

همچنین اگر در مدت نظارت، محکوم مرتکب جرم یا تخلف جدیدی شود بی تردید به زندان بسته عودت یافته و از بابت جرم جدید نیز مجازات می‌گردد. چنانچه محکوم در دوران نظارت، قصد فرار یا طفره رفتن یا ختنی کردن عملکرد دستگاههای منصوب را داشته باشد و یا اختلالی در این دستگاهها ایجاد کند، در حکم فرار محسوب شده و مطابق ماده ۲۹-۴۳۴ قانون جزا به عنوان محکوم فراری با او رفتار می‌شود. چنانچه محکوم در مدت نظارت مرتکب تخلفی گردیده که در جریان آن به شخص ثالثی ضرر و خسارتی وارد آید، از نظر اداری سازمان زندانها مسؤول ضرر وارده خواهد بود.

مأموران زندان با نظر قاضی اجرای مجازاتها مجاز به ملاقات محکوم در منزل وی خواهند بود. در این صورت اجازه محکوم برای بازدید و ورود مأمورین به منزل

ضروری است و چنانچه محکوم اجازه ندهد در حکم غیبت و تخلف محسوب می‌گردد و در نتیجه به زندان بسته قابل عودت خواهد بود.^۱

نتیجه

نظارت الکترونیکی چه از نوع فعال و چه انفعالی، علاوه بر کنترل نیروی انسانی نیازمند تکنولوژی پیشرفته نیز است که خود مستلزم بهره‌مندی از نیروهای متخصص، کارمند و دستگاههای پیشرفته است. بدین ترتیب با ورود نظارت الکترونیکی در قلمروی جایگزینهای کیفر سالب آزادی امروزه شاهد مداخله فن‌آوری جدید در اجرای کیفر حبس هستیم، به این معنا که کیفر حبس به واسطه این نظارت، تقریباً از انحصار صرف انسانها و ضرورت حضور فیزیکی زندانبانان خارج شده است.

پرسشی که در این راستا مطرح می‌شود این است که آیا نظارت الکترونیکی از نظر اقتصادی به صرفه است یا خیر؟ در پاسخ باید در نظر داشت که همانطور که در یک کارخانه اتوماتیک خودروسازی، بجای ۵۰ کارگر در یک کارخانه عادی، تنها دو نفر کار می‌کنند و در نتیجه، ۴۸ نیرو صرفه جویی می‌شود، در حبسهای «بدون میله» نیز یک مرکز کنترل، همزمان قادر به کنترل ۳۰ زندانی است و از آنجا که احتمال اشتباه دستگاههای کنترل تقریباً صفر است، در نتیجه، چنین کنترل دقیقی قطعاً از نظر اقتصادی سبب صرفه جویی در بودجه‌ها و هزینه‌های زندانها می‌شود.

گفتار چهارم: چگونگی و نحوه اجرای جایگزینهای تعیین شده در حکم و انواع آنها

جایگزینهای کیفر سالب آزادی از نظر چگونگی و نحوه اجرای آنها موارد متعددی را به شرح زیر شامل می‌شود:

جریمه نقدی - تعلیق - تعلیق توأم با آزمایش - تعلیق همراه با تکلیف انجام یک کار عام المنفعه - نیمه آزادی - کیفرهای سالب یا محدود کننده حقوق - جریمه روزانه و کارهای عام المنفعه.

جایگزینهای ذکر شده خود نیز از لحاظ قدمت و پیشینه به دو دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول، شامل جایگزینهای جدید و معاصر نظیر کار عام المنفعه و جریمه‌های روزانه، که البته مصادیق دیگری از این دسته، همچون نظارت الکترونیکی پیش‌تر مورد بحث واقع شد.

در این گفتار، جایگزینهای ذکر شده را به ترتیبی که گذشت مورد بررسی قرار خواهیم داد:

۱- جایگزینهای متداول یا سنتی

الف) جریمه نقدی (Fine)

شکل مقطوع جریمه نقدی (Fix) - یعنی جریمه‌ای که فاقد حداقل و حداکثر باشد و قاضی یا جانشین وی به هنگام تعیین آن، حق فردی کردن را نداشته باشند - از قدیمی‌ترین و نخستین جایگزینهای حبس به حساب می‌آید. جریمه از نظر حقوقی شامل مبلغی است که محکوم به خزانه دولت می‌پردازد و بنابراین با ضرر و زیان و خسارت بزه دیده متفاوت است.

۱- یکی از کاربردهای روش نظارت الکترونیکی و حبس‌های منزلی در مورد بزهکاران مواد مخدر است. برای آگاهی بیشتر بنگرید به رایجیان اصلی (مهرداد)، درمان مواد مخدر و حبس‌های منزلی، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، پاییز ۱۳۸۰، ص ۱۰۵ تا ۱۲۴.

شرایط اجرای جریمه نقدی

جریمه، یک کیفر عمومی محسوب می‌شود که نسبت به همه جرایم قابل اعمال است به جز در جنایات که به ندرت پیش بینی می‌شود. برای مثال در باب جرایم مواد مخدر به موجب ماده ۲۴-۲۲۲ قانون جزای فرانسه کسی که به تولید، توزیع یا فروش مواد مخدر مبادرت ورزد علاوه بر حبس به پرداخت جریمه نیز محکوم می‌گردد. در باب جرایم جنحه ای و خلاف، جریمه، مجازات بسیار متداولی است. در جرایم جنحه ای، حداقل جریمه: ۲۵۰۰ فرانک و حداکثر آن بر حسب جرایم، متفاوت است. در جرایم خلافی نیز باید گفت که جریمه تقریباً تنها کیفر است. با توجه به طبقه بندی جرایم خلافی در حقوق فرانسه به پنج درجه، جریمه های این جرایم از مبلغ ۲۵۰ فرانک آغاز و تا ۱۰ هزار فرانک ادامه می‌یابد. اما چنانچه خلاف از نوع پنجم (شدیدترین نوع خلاف و نزدیک به جنحه) باشد در صورت ارتکاب مجدد (تکرار جرم) مبلغ ۱۰ هزار فرانک دو برابر می‌شود که البته منوط به پیش بینی در ماده قانونی است. در خصوص اشخاص حقوقی نیز کیفر نقدی (جریمه) بسیار متداول است و مبلغ آن ۵ برابر مبلغ جریمه اشخاص حقیقی است.

نحوه وصول جریمه

همانطور که گفته شد محکوم اصولاً جریمه را به خزانه دولت و یا مستقیماً به مأمور وصول جریمه می‌پردازد. چنانچه محکوم از پرداخت جریمه خودداری ورزد، اداره دارایی یا خزانه دولت خواهد توانست به نام دادستان و با معاضدت داسرا در مقام وصول آن برآید که در صورت عدم پاسخ از سوی محکوم، از داسرا حبس محکوم تقاضا می‌شود و این تقاضا به محل اقامت یا آخرین محل اقامت او ابلاغ می‌گردد. در این صورت محکوم به حبس اعزام می‌شود که با نظام حبسهای سالب آزادی متفاوت است زیرا حبس بدل از جریمه محسوب نمی‌شود (Imprisonment in lieu of fine or for debt).

اجبار جسمانی یا اجبار تنی

«وسیله قهرآمیزی» برای ملزم ساختن محکوم به پرداخت جریمه به حساب می‌آید، ولی جایگزین نهایی جریمه نمی‌شود. حبس (اجبار تنی) محکوم عاجز از پرداخت جریمه شرایط و قیودی به شرح زیر دارد:

- در مورد جریمه های از ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ فرانک معادل ۵ روز حبس.
- در مورد جریمه های از ۳ تا ۱۰۰۰۰ فرانک تا ده روز حبس.
- در مورد جریمه های از ۱۰ تا ۲۰ هزار فرانک تا بیست روز حبس.
- در مورد جریمه های از ۲۰ تا ۴۰ هزار فرانک تا ۳۰ روز حبس.
- در مورد جریمه های از ۴۰ تا ۸۰ هزار فرانک تا حداکثر دو ماه.
- زمانی که مبلغ پرداخت نشده از ۸۰ هزار فرانک تجاوز کند، مدت «حبس به عنوان اجبار محکوم به پرداخت جریمه» نیز به طول بیانجامد. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که از مبلغ سه هزار فرانک به بالا، قاضی در مورد میزان حبس از اختیار فردی کردن مجازات برخوردار است. همچنین از جمله نکات قابل توجه در مورد نحوه وصول جریمه آن است که دادستان نیز می‌تواند با توجه به شرایط اوضاع و احوال محکوم، تاریخ وصول جریمه را به تأخیر اندازد. همچنین او قادر است وصول مبلغ جریمه را تقسیط کند، در این صورت تقسیط به عهده وزارت دارایی خواهد بود.

ارزیابی کیفر جایگزین جریمه نقدی

کیفر نقدی از جمله کیفرهایی است که به موجب ماده ۲۴-۱۳۲ قانون جزای فرانسه، مشمول فردی کردن (شخصی کردن) مجازاتها واقع می‌گردد. از سویی دیگر، در چارچوب اصل فردی کردن، دادگاه میزان جریمه را برحسب درآمدهای محکوم و مخارج زندگی او تعیین می‌کند. از جمله معیارهای دیگر در تعیین مبلغ جریمه که مورد توجه دادگاه واقع می‌شود میزان خسارت وارد بر مجنی علیه است.

حقوق جزای عمومی ۵۷۵

در راستای ارزیابی این تدبیر جایگزین حبس باید به امتیازها و اشکال های وارد بر آن نیز اشاره کرد. از جمله امتیازهای کیفر نقدی آن است که چنانچه متهم به لحاظ اشتباه قضایی محکوم شده باشد، پرداخت جریمه قابل جبران است. همچنین محکومیت به پرداخت جریمه برای محکوم دارای آثار سوء اجتماع زدایی نیست و به فرایند جامعه پذیری وی خللی وارد نمی‌سازد. دیگر آنکه تدبیر «اجبار تنی» تهدیدی مؤثر برای محکومانی است که از ادای دین خود طفره می‌روند تا سرانجام آنان را مجبور به پرداخت دین خود نماید.

ولی کیفر جریمه از ایرادهایی نیز برخوردار بوده است:

ضعیف بودن جنبه ارعایی و ورود خدشه بر اصل برابری بزهکاران، از عمده ترین ایرادهای وارد بر جریمه است. به این توضیح که اگر جریمه، تدبیری مناسب و مؤثر برای بزهکاران فقیر به حساب می‌آید، ارفاقی برای ثروتمندان به شمار می‌رود. با توجه به این ایرادها بوده است که امروزه تدبیر جدیدی تحت عنوان جریمه های روزانه در کنار جریمه مقطوع ابداع شده است که در گفتارهای آینده به شرح آن خواهیم پرداخت.

ب) تعلیق (اجرای مجازات)

تأسیس تعلیق اجرای مجازات چنان که از نامش پیداست شیوه ای برای اجتناب از اجرای کیفر حبس محسوب می‌شود تا یک جایگزین برای این مجازات.

نهاد تعلیق در جریان پیدایش مکتب تحقیقی و در نتیجه تغییر رویکرد از «جرم مداری» به «مجرم مداری» و به دنبال اهمیت یافتن پرونده شخصیت متهم، برای نخستین بار در ۱۸۹۱ وارد حقوق فرانسه شد. از آنجا که قاضی محکمه در جریان صدور حکم قادر خواهد بود که با استفاده از نهاد تعلیق، مجرم را از تحمل مجازات حبس معاف سازد و بدین وسیله به فردی کردن مجازات مبادرت ورزد، در نتیجه، تأسیس تعلیق نیز جایگزینی برای حبس به شمار می‌رود.

۵۷۶ مباحثی در علوم جنایی

فلسفه نهاد تعلیق را باید نوعی اخطار به مجرمان بی سابقه و مبارزه با آثار جرم زای زندان دانست که با گذشت زمان، دامن کیفرهای سالب یا محدود کننده حقوق را نیز گرفت. در حقوق فرانسه تعلیق، شامل کیفرهای تکمیلی و همچنین اشخاص حقوقی نیز می‌گردد. همچنین، تعلیق کیفرهای سالب یا محدود کننده حقوق مندرج در مواد ۶-۱۳۱ و ۱۴-۱۳۱ قانون جزای فرانسه را شامل می‌شود ولی هیچ یک از انواع ضبط و توقیف اموال را در بر نمی‌گیرد. تعلیق جریمه های روزانه و خدمات عمومی را نیز شامل نمی‌شود. علاوه بر جریمه های روزانه برخی از جریمه ها نظیر جریمه های مالیاتی، گمرکی، جریمه ناشی از جرایم مربوط به جنگلها و مراتع، جرایم علیه مقررات مالیاتی در مورد قمارخانه ها و الکل و دخانیات، نیز مشمول تعلیق واقع نمی‌شوند.

شرایط اعطای تعلیق

تعلیق در مورد جرایم جنایی یا جنحه ای که کیفر حبس آنها برابر یا کمتر از ۵ سال است به کار می‌رود. همچنین تعلیق، مجرمان بی سابقه یا مجرمانی را که ۵ سال پیش از ارتکاب آخرین جرم به محکومیت جدیدی محکوم نشده باشند، دربر می‌گیرد. نهایت آنکه تعلیق شامل جرایم سیاسی و نظامی نیز می‌گردد. بنابراین ملاحظه می‌شود که تعلیق در حقوق فرانسه در مفهوم موسع آن در نظر گرفته شده است.

آثار تعلیق

تعلیق در فرانسه ممکن است که شامل مجازات حبس یا قسمتی از آن شود و در هر حال مدت آن حداکثر ۵ سال است. تاریخ تعلیق از زمان قطعیت حکم آغاز می‌شود. چنانچه تعلیق، جزئی باشد (شامل قسمتی از مجازات حبس) در این صورت مدت تعلیق، در طول اجرای کیفر قطعی، معلق خواهد بود. در صورتی که در مدت تعلیق (دوره ۵ ساله)، محکوم مرتکب جرم جدیدی شود، تعلیق فوراً لغو و اجرای مجازات

حقوق جزای عمومی ۵۷۷

حبس با مجازات جرم جدید جمع می‌شود و بنابراین جرم اخیر ممکن است مشمول تکرار جرم واقع گردد. بنابراین محکومیت تعلیقی مانع از مقررات تکرار جرم نیست. نکته ظریفی که در خصوص تعلیق در حقوق فرانسه باید در نظر داشت این است که قاضی محکمه می‌تواند به صورت مستدل و مستند، محکوم مشمول تعلیقی را که مرتکب جرم جدیدی شده است همچنان از تعلیق برخوردار کرده و به الغای تعلیق مبادرت نرزد.

ارزیابی تأسیس تعلیق ساده

نهاد تعلیق همچون سایر تأسیسات حقوقی از امتیازها و کاستی‌هایی برخوردار بوده است: از جمله امتیازهای این تأسیس می‌توان به تراکم زدایی یعنی کاستن از بار زندان و تعداد زندانیان و صرفه جویی برای دولت در هزینه‌های زندانها و نهایتاً نمایاندن اعتماد نسبت به شخص بزهکار اشاره کرد. اما در کنار این محاسن از معایب نهاد تعلیق نیز نباید غافل بود:

شرایط اعطای تعلیق بسیار محدود است زیرا مدت آزمایش (دوره ۵ ساله) غیر قابل تغییر است. لغو این دوره پس از انقضای ۵ سال به صورت خودکار بوده و قاضی هیچ نقشی در جرح و تعدیل آن ندارد.

از دیگر انتقادهایی که به تعلیق وارد شده این است که از صلابت و کارایی کیفر حبس کاسته است چرا که در اذهان عامه مردم، کیفری قهرآمیز و دارای وصف ارعاب انگیز به شمار نمی‌آید و در نتیجه در نظر مردم نوعی تبرئه محسوب می‌شود. همچنین در دوران تعلیق هیچ گونه کمک و کنترل و نظارتی بر بزهکاری وجود ندارد. به همین جهت بوده است که پس از حدود ۷۰ سال، شکل جدیدی از تعلیق با عنوان تعلیق آزمایشی ابداع شد. اگرچه نهاد تعلیق ساده در فرانسه توسط قانونگذار پذیرفته شد ولی تأسیس اخیر از حقوق انگلستان وارد حقوق فرانسه شد. ویژگی تأسیس جدید آن است که محکوم در دوران تعلیق به حال خود رها نمی‌شود بلکه نوعی

۵۷۸ مباحثی در علوم جنایی

نظارت بر او وجود دارد که این نظارت مقطعی بر مجرم سبب شده است تا تعلیق آزمایشی، مکانیسمی برای اصلاح و درمان مجرمان در محیط باز بجای تحمل حبس در زندان بسته تلقی شود:

ج) تعلیق توأم با آزمایش

تعلیق همراه با آزمایش در سال ۱۹۵۸ با الهام از تأسیس Probation انگلیسی وارد حقوق فرانسه شد. این تأسیس که خاص اشخاص حقیقی (نه حقوقی) است در مورد جرایم جنایی یا جنحه‌ای که حداکثر مجازات قانونی آنها ۵ سال حبس باشد، کاربرد دارد. برخلاف تعلیق ساده، نظام پروباسیون در حالی که شامل جرایم نظامی می‌گردد، جرایم سیاسی را دربر نمی‌گیرد. مفهوم آزمایش در این نوع از تعلیق، گذراندن دوران تعلیق همراه با نوعی کنترل و نظارت است و دوره آزمایش بین ۱۸ ماه تا ۳ سال را شامل می‌شود. در این مدت، محکوم تحت نظر بوده و مکلف به انجام تکالیفی می‌شود و در پایان مدت آزمایش است که محکومیتش اجرا شده تلقی می‌گردد.

دوران تعلیق آزمایشی اصولاً شامل دو نوع کمک است: کمکهای اجتماعی - کمک های کنترلی و نظارتی. در مورد کمک های اجتماعی هدف آن است که تلاشهای محکوم در دوران تعلیق موفقیت آمیز باشد. در مورد کمک های نظارتی و کنترلی، هدف، تنبّه مجرم و هشدار برای جلوگیری از تکرار جرم اوست. اقدامات کنترلی در ماده ۴۴-۱۳۲ قانون جزای فرانسه احصا شده اند:

- محکوم در دوران تعلیق باید به احضاریه های قاضی اجرا پاسخ دهد.
- چنانچه قاضی اجرا شخصاً یا نماینده قاضی اجرا به ملاقات محکوم رفتند وی باید این بازرسی را بپذیرد. محکوم مکلف است که در صورت تقاضا وسیله امرار معاش خود را برای قاضی اجرا توجیه نماید.
- محکوم باید مراتب تغییر شغل خود را به قاضی اجرا اعلام دارد.

حقوق جزای عمومی ۵۷۹

- محکوم باید تغییر اقامتگاه خود و هر گونه جابجایی و مسافرتی را که بیش از ۱۵ روز بطول بیانجامد به قاضی اجرا اطلاع دهد.

- محکوم باید برای هرگونه مسافرت به خارج از قاضی اجرا اجازه کسب کند. علاوه بر این تکالیف عمومی، محکوم ممکن است مشمول یک سلسله تکالیف خاص بر اساس ماده ۴۵-۱۳۲ نیز قرار گیرد، این تکالیف دسته ای از اقدام های سه گانه زیر را دربر می گیرد:

۱. اقداماتی که برای سلامت محکوم لازم است چنان که مجرم باید معاینات پزشکی را که از سوی قاضی اجرا لازم تشخیص داده می شود، انجام داده و تن به معالجه دهد (تکلیف درمان)؛ دیگر آنکه به مشروب فروشی ها رفت و آمد نکند و برخی از مشاغل معین را انجام ندهد (اقدام تأمینی).

۲. اقداماتی که برای پیشگیری از جرم محکوم لازم است مانند عدم رانندگی برخی خودروها، عدم انجام برخی مشاغل، عدم رفت و آمد به برخی مکانهای معین، عدم شرکت در شرط بندی و قمار، (مانند عدم حضور در میادین اسب دوانی)، عدم رفت و آمد با برخی محکومین به ویژه شرکا و معاونان جرم، عدم رفت و آمد با بزه دیده و عدم حمل و داشتن اسلحه.

۳. اقدام هایی که به منظور ترمیم خسارات محکوم له قرار می گیرد، مثل پرداخت جریمه.

نحوه کنترل تعلیق آزمایشی

مقام ناظر و مجری تعلیق توأم با آزمایش « قاضی اجرای مجازاتها » است. این مقام اصولاً در کیفرهای حبسی که در محیط باز به اجرا درمی آید جانشین دادگاه صادرکننده حبس است. تعلیق توأم با آزمایش نیز از جمله اقدام هایی است که به اجرای کیفر در محیط باز منجر می شود.

۵۸۰ مباحثی در علوم جنایی

چنانچه در دوران تعلیق آزمایشی محکوم مرتکب جرم جدیدی شود، دادگاه خواهد توانست حداکثر تا سه سال به دوران آزمایش اضافه کند، برای مثال اگر محکوم در دوره ۲ ساله آزمایش مرتکب جرم جدیدی شود، ضمن گذراندن مجازات جرم اخیر، به مدت آزمایش نیز ممکن است یک سال دیگر افزوده شود.

ارزیابی تأسیس تعلیق آزمایشی

با وجود آنکه نهاد پروباسیون در نتیجه معایب تأسیس تعلیق ساده وارد نظام کیفری فرانسه شد ولی تأسیس جدید نیز از آماج انتقادات و ایرادها درامان نماند. تعلیق آزمایشی باعث اجتناب از کیفر حبس در محیط بسته می شود و محکوم در دوران تعلیق به وسیله قاضی اجرا یا نمایندگان او تحت نظارت روانی، اجتماعی، شغلی و حتی خانوادگی قرار می گیرد.

در کنار این ویژگی ها، اجرای هرچه بهتر آن نیازمند پرسنل و کارمند کافی است و توفیق آن نیز مستلزم همکاری محکوم با دستگاه قضایی است. بنابراین چنانچه محکوم مبادرت به همکاری های لازم با قاضی اجرا و سایر مسؤولان مبادرت نورد، اثر تعلیق آزمایشی محو می گردد.

به دلیل همین ایرادها قانونگذار فرانسوی در ۱۹۸۹ تأسیس جدیدی به نام «تعویق آزمایشی صدور حکم» را پیش بینی کرد که در جریان آن در جرایم خاص جنحه ای دادگاه می تواند به مدت یکسال صدور حکم علیه مجرم را به تعویق اندازد و در این دوره یکساله تکالیفی را برای چنین محکومی مقرر کند. تعویق آزمایشی دارای شرایطی به شرح زیر است:

- متهم باید در دادگاه حاضر باشد؛ بنابراین تعویق آزمایشی حکم به صورت غیابی ممکن نیست زیرا لازم است تا قاضی با حضور متهم به بررسی حالات او بپردازد.

- از حالات و رفتار متهم بهبودی در رفتار او حاصل شود.

حقوق جزای عمومی ۵۸۱

- خسارات مجنی علیه در شرف جبران و پرداخت باشد.

- اختلالات ناشی از جرم در جامعه در شرف از میان رفتن باشد.

مسئول کنترل محکوم در دوران یک ساله آزمایش قاضی اجرای مجازاتها است.

در پایان دوران یک ساله چنانچه محکوم تکالیف مقرر را انجام داده و مرتکب جرم

جدیدی نشود، حکم تعویقی به هیچ وجه صادر نخواهد شد و در سجل کیفری

محکوم قید نخواهد گردید. بنابراین از مهمترین و بارزترین وجوه تمایز تعویق

آزمایشی صدور حکم با تعلیق آزمایشی آن است که در تعلیق آزمایشی بر خلاف

تعویق آزمایشی نه تنها حکم مجازات صادر می‌شود (ولی اجرای آن معلق می‌گردد)

بلکه این اقدام در سجل کیفری محکوم درج می‌گردد^۱.

۲- جایگزینهای جدید

منظور از این جایگزینها، بدیلهایی است که در ۱۵ سال اخیر و از سال ۱۹۸۳ وارد

حقوق جزای فرانسه شده است و مواردی به شرح زیر را شامل می‌گردد:

الف) تعلیق همراه با تکلیف به انجام کار عام المنفعه

این جایگزین در واقع، شکلی از نظام تعلیق توأم با آزمایش است ولی آزمایش و

انجام یک کار عام المنفعه خلاصه می‌شود. مدت زمان این کار، حداقل ۴۰ و حداکثر

۲۴۰ ساعت در مدت ۱۸ ماه به صورت بدون مزد است. از جمله شرایط این

جایگزین، حضور مجرم در دادگاه و رضایت او به این امر است. در دوران تعلیق طبعاً

تکالیف خاصی که اقتضای کار کردن است به چنین محکومی تحمیل می‌شود، از

جمله:

۱- امروزه در کنار تعلیق آزمایشی یا مراقبتی، تأسیس جدید دیگری به نام «تعلیق مراقبتی فشرده»

(Intensive probation supervision) ابداع شده است که خاستگاه آن را باید در آمریکای شمالی

(ایالات متحده آمریکا) جست و جو کرد.

۵۸۲ مباحثی در علوم جنایی

- محکوم باید معاینات لازم برای کار و محیط مربوط به آن را به انجام رساند.

- محکوم نباید به بیماریهای واگیردار مبتلا باشد.

در کنار این تکالیف خاص، تکالیف متداول در دوران تعلیق نیز برای محکوم

وجود دارد، از جمله:

- پاسخ به احضاریه های قاضی اجرای مجازاتها.

- اعلام تغییر اقامتگاه و جابجایی ها... و سایر تکالیفی که در مبحث پروباسیون

ذکر شد.

از آنچه گفته شد می‌توان تفاوت تعلیق همراه با انجام کار عمومی و تعلیق توأم با

آزمایش را چنین برشمرد که تعلیق همراه با انجام کار عمومی و با انجام کار معین در

ساعات مقرر خاتمه می‌یابد در حالی که در تعلیق آزمایشی، محکوم علیه باید کلیه

آزمایشهای مقرر در قالب تکالیفی را که برای او مشخص شده است متحمل می‌شود و

سپری می‌کند. بنابراین در تعلیق همراه با کار خصیصه حاکم، کار کردن است. حال

آنکه در پروباسیون، خصیصه حاکم، انجام کلیه تکالیف عام و خاص مقرر در حکم

دادگاه است.

ب) جریمه های روزانه

این بدیل با توجه به ایرادهای وارد بر جریمه مقطوع برای نخستین بار در سال ۱۹۸۳

از حقوق انگلیسی وارد حقوق جزای فرانسه شد. بر اساس ماده ۵-۱۳۱ قانون جزای

فرانسه جریمه روزانه، تنها در خصوص محکومان بزرگسال و جرایم جنحه ای قابل

اعمال است و در مورد جرایم نظامی و اشخاص حقوقی کاربرد ندارد. ویژگی جریمه

روزانه آن است که هم به عنوان یک کیفر مستقل و هم به عنوان یک جایگزین حبس

قابل استفاده است. کیفر نقدی روزانه هرگز با کیفر نقدی مقطوع یکجا اعمال

نمی‌شود. همچنین صدور حکم کیفر روزانه همراه با کیفر خدمات عمومی هم قابل

جمع نیست.

حقوق جزای عمومی ۵۸۳

کیفر نقدی روزانه عبارت است از پرداخت روزانه مبلغ معینی به خزانه عمومی (دولت). جریمه روزانه اختیاری است که قانون به قاضی دادگاه اعطا نموده است. او مبلغ این جریمه را بر اساس دو معیار تعیین می‌کند:

- درآمد و مخارج متهم که بر اساس این معیار مبلغ روزانه جریمه بیش از ۲۰۰۰ فرانک نمی‌تواند باشد.

- اوضاع و احوال و شدت جنحه ارتكابی که بر اساس این معیار نیز مدت روزهای پرداخت جریمه بیش از ۳۶۰ روز نمی‌تواند باشد.

در مورد این دو معیار اصولاً رضایت محکوم ضروری نیست ولی قضات در عمل برای تعیین مبلغ قسط محکوم را در جریان می‌گذارند، بنابراین جریمه روزانه نسبت به محکوم غیابی مجرا نیست.

برای تعیین اقساط جریمه، دادگاه علاوه بر رؤیت متهم، از منابع دیگری در مورد زندگی او کسب اطلاع می‌کند: کسب اطلاع و تحقیق از طریق بانکهایی که محکوم در آنها حساب داشته است یا فیشهای مالیاتی و یا از طریق اداره محل کار همچنین دادگاه می‌تواند در خصوص هزینه‌ها و بدهی‌های محکوم، وضعیت تأهل یا مجرد او اطلاعاتی را جمع‌آوری کند ولی در صورت تأهل محکوم، ضبط معادل جریمه معوقه از حقوق مالی همسر محکوم ممنوع است.

نحوه اجرا

پس از صدور حکم دادگاه، قاضی مسؤول اجرای مجازاتها قادر است بنابر دلایل پزشکی، خانوادگی، حرفه‌ای، اجتماعی ... ، پرداخت اقساط جریمه را در حداکثر مدت مقرر در دادنامه به تعویق بیندازد. بدین ترتیب محکوم مکلف است در زمان بندی جدید در همان چارچوب تعیین شده قبلی در حکم، اقساط جریمه را پرداخت نماید. چنانچه محکوم علیه نتواند در روزهای معین و در زمان بندی‌های مقرر اقساط جریمه را بپردازد، با انقضای مدت معینه، اقساط جریمه حال شده و از آنجا که

۵۸۴ مباحثی در علوم جنایی

محکوم در زمان حال شدن بدهی خود نیز قادر به پرداخت آن نبوده است به حبس اعزام می‌شود. این ضمانت اجرا با اجبار تنی یا جسمانی در جریمه‌های مقطوع متفاوت است. اجبار تنی در واقع وسیله‌ای است برای وادار کردن محکومی که از پرداخت جریمه مقطوع خود امتناع می‌ورزد و یا از پرداخت آن طفره می‌رود و بنابراین با اعزام محکوم به زندان و یا خروج او از آنجا پرداخت جریمه معوقه منتفی نمی‌شود. عدم پرداخت جریمه‌های روزانه به شرحی که گفته شد موجب اعزام محکوم عاجز به زندان عمومی خواهد شد و بنابراین این مکانیزم جایگزین جریمه روزانه پرداخت نشده می‌شود. بنابراین رژیم حاکم بر این دو محکوم در زندان متفاوت خواهد بود چرا که محکوم عاجز از پرداخت جریمه مقطوع به بازداشتگاه‌های مشخصی که مخصوص چنین افرادی است اعزام می‌گردد. حال آنکه محکوم عاجز از پرداخت جریمه روزانه به زندان عمومی اعزام و مقررات این زندانها بر وی حاکم خواهد بود.

به موجب ماده ۲۸-۱۳۲ قانون جزای فرانسه به قاضی دادگاه اجازه داده شده که به دلایل محکمه پسند پزشکی، خانوادگی، شغلی یا اجتماعی جریمه مقطوع را نیز تقسیم کند و یکجا از محکوم وصول نکند. همچنین دادگاه می‌تواند جریمه مقطوع را در سقف سه سال تقسیم و وصول کند. بنابراین ملاحظه می‌شود که ویژگی‌های اخیر جریمه مقطوع، آن را از حالت مقطوع مطلق خارج نموده و به جریمه‌های روزانه نزدیک تر ساخته است.

ارزیابی جریمه روزانه

دیوان جزای فرانسه جریمه‌های روزانه را شکلی از جریمه عمومی با همان ماهیت دانسته است که قابل انتقال به ورثه محکوم متوفی می‌باشد، اما بر این رویه ایراد مهمی وارد شده که آن، خدشه به اصل شخصی بودن مجازاتها است.

حقوق جزای عمومی ۵۸۵

در فرانسه عملاً دیده شده است که دادگاهها فرد را توأمان به حبس و جریمه روزانه محکوم می‌نمایند. بر این رویه نیز چنین انتقاد شده است که فرد محکوم به حبس در زندان از درآمدهای مالی خود محروم می‌گردد و این مسئله به تعیین مبلغ اقساط جریمه از سوی دادگاه خلل وارد می‌سازد. در نتیجه، پیشنهاد شده است بجای تلفیق حبس با جریمه روزانه، مجازات حبس را با بدیل تعلیق تلفیق کنند تا محکوم بتواند در محیط باز و با حفظ روابط شغلی و منابع درآمد مالی، به پرداخت جریمه های روزانه خود نیز مبادرت ورزد.

نکته دیگر در باب ارزیابی جریمه های روزانه، میزان وصول این جریمه به نسبت جریمه های مقطوع است. میزان حصول جزای نقدی روزانه در فرانسه بسیار بیشتر از کیفرهای نقدی مقطوعی است که هنوز وصول نشده اند. در سایر کشورهای اروپایی نیز چنین وضعی حاکم است. مثلاً در آلمان این نسبت ۹۰٪ به ۵۰٪ گزارش شده است.

ج) کار عام المنفعه یا کیفر خدمات عمومی

این تأسیس نیز در سال ۱۹۸۳ از حقوق انگلستان وارد فرانسه شد. کار عام المنفعه می‌تواند ماهیت دیگری غیر از جایگزین حبس داشته باشد: کار عمومی ممکن است به عنوان جایگزین کیفر حبس مورد بررسی قرار گیرد: کار عام المنفعه بدیلی است که مستلزم همکاری جامعه، کارفرمایان، مؤسسات دولتی - چون شهرداریها - با دستگاه قضایی است و بنابراین نمادی بارز از سیاست جنایی مشارکتی تلقی می‌شود، زیرا این کار باید برای جامعه انجام شود نه لزوماً برای دستگاه قضایی. از سوی دیگر، این کار حتماً باید در ادارات دولتی یا شهرداریها یا انجمن هایی که از سوی مقنن فرانسوی «عام المنفعه» محسوب می‌شود، انجام شود. بنابراین کار عمومی در بخش خصوصی انجام نمی‌شود زیرا بدون عوض و رایگان به حساب می‌آید.

۵۸۶ مباحثی در علوم جنایی

قلمرو اجرا

به دلیل کار عمومی صرفاً در چارچوب کیفرهای جنحه ای متصور است. صدور حکم خدمات عمومی نیاز به حضور متهم در دادگاه دارد و بنابراین چارچوب حکم حضوری متصور است. متهم نیز باید انجام کار عام المنفعه را بپذیرد. دادگاه باید منتظر پاسخ متهم بماند و چنانچه پس از تفهیم موضوع به متهم، او آن را پذیرفت، به صدور حکم کار عمومی مبادرت ورزد. مدت انجام کار عمومی ۱۸ ماه و بین ۴۰ تا ۲۴۰ ساعت است و از آنجا که یک کیفر تلقی می‌شود به صورت بدون مزد به انجام می‌رسد.

رژیم حقوقی کار عمومی

به موجب ماده ۲۴-۱۳۱ قانون جزای فرانسه، محکوم مشمول این بدیل، تحت حمایت و مسئولیت دولت (سازمان زندانها) قرار دارد و چنانچه به مناسبت انجام کارش موجب ایراد خسارتی به دیگری گردد سازمان مربوطه مسئولیت خسارت وارده را بر عهده خواهد داشت. ولی دولت به عنوان قائم مقام زیان دیدگان متعاقباً از محکوم مطالبه خسارت می‌کند. در ماده ۲۲-۱۳۱ قانون جزای فرانسه اظهار شده که کیفر خدمات عمومی در حکم کارهای عادی و در نتیجه، مشمول قوانین مربوط به کار در شهر، کار سخت، بهداشت، ایمنی، مقررات خاص زنان و جوانان است. بنابراین محکوم، مشمول امتیازهای قانون کار می‌شود. محکوم در کنار انجام این کار قادر خواهد بود که به فعالیت شغلی خود نیز تا زمانی که به تحمل کیفر اصلی لطمه نزند، بپردازد.

تهیه کار و شغل

در فرانسه قاضی مسؤول اجرای مجازاتها، مسؤول کاریابی است. بنابراین دادگاه صادرکننده حکم پس از صدور حکم کار عمومی مسئولیتی در قبال کاریابی محکوم به عهده ندارد. بدین ترتیب قاضی اجرای مجازاتها با همکاری دادسرا (دادستان محل)

حقوق جزای عمومی ۵۸۷

و با رایزنی در ادارات دولتی و شهرداری ها و مؤسسات معتمد، فهرستی از مشاغل موجود تهیه و با توجه به آن کار از میان محکومان تقسیم می‌کند. بدیهی است که به تناسب و اقتضای هر کار، محکوم باید آزمایشهای پزشکی مربوط به آن را بگذراند و استعداد و قابلیت کاری اش بررسی شود.

وظایف محکوم

محکوم باید به احضاریه های قاضی اجرای مجازاتها و کتلهای ناگهانی یا برنامه ریزی شده او پاسخ دهد و با قاضی اجرای مجازاتها در خصوص رفتارش همکاری کند. همچنین او باید در مدتی که مشغول کار است در برخی مکانها حضور پیدا نکند، با شرکا و معاونان جرم خود در میداین شرط بندی و قمار (نظیر میداین اسب دوانی) حضور پیدا نکند و به دادگاه نشان دهد که نیازهای مشروع اش را تامین می‌کند.

قاضی اجرای مجازاتها به دو علت زیر می‌تواند کار عمومی را موقتاً معلق کند:

- به دلایل پزشکی، خانوادگی و اجتماعی - به دلیل انجام خدمت سربازی

ارزیابی کیفر کار عمومی

در حقوق فرانسه در عمل دیده شده است که شهرداری ها، شورای شهر و یا انجمن های صنفی که در واقع نمایندگان مردم محسوب می‌شوند، در کاربایی برای محکومان تلاش بیشتری از ادارات دولتی از خود نشان می‌دهند. بنابراین برای اعمال و اجرای هرچه بهتر این تدبیر ضرورتاً نیاز به مشارکت دستگاه قضایی و جامعه مدنی است (سیاست جنایی مشارکتی).

کارهایی که برای مجرمان در نظر گرفته و پیشنهاد می‌شود بسیار متنوع است، نظیر مرمت ساختمانهای عمومی، بناهای باستانی، بهبود محیط زیست، ترمیم خرابی ها، شرکت در کارآموزی مربوط به آتش نشانی، کار در اورژانسهای خاص تصادفات

۵۸۸ مباحثی در علوم جنایی

رانندگی و ... ، بدین ترتیب است که محکومان در سیاست اداره شهر خود دخالت می‌کنند.

اما به کیفر کار عمومی ایرادهایی نیز وارد شده است از جمله اینکه چنانچه محکومی حاضر به انجام کار عمومی باشد ولی استطاعت مالی نداشته باشد، قاضی دادگاه ناچار است او را به زندان اعزام دارد و این موضوع سبب می‌شود که همه افراد در برابر این کیفر یکسان نباشند (خدشه بر اصل برابری مجازاتها). از سویی دیگر تجربه ۱۶ ساله این جایگزین در فرانسه نشان داده است که قضات عملاً کاریبهای خوبی نیستند، چرا که قاضی به اقتضای شغلش از رابطه با جامعه مدنی اکراه دارد. از دیگر مشکلات کیفر کار عمومی این است که در پاره ای موارد، استخدام حتی موقت یک مجرم با تردید روبرو است. و نهایت آنکه با توجه به مشکل بیکاری در فرانسه و وجود حدود ۳/۵ میلیون بیکار رسمی در این کشور حتی کارهای نیمه وقت ترجیحاً به داوطلبان اداره کار داده می‌شود. در نتیجه اگرچه کار عام المنفعه، کیفر عمومی بسیار مناسبی است که در طول تاریخ حقوق کیفری هم سابقه داشته است (اشاره به بیگاری) ولی مشکلات بازار کار موجب شده است که در عمل از این کیفر استقبال خوبی به عمل نیاید.^۳

۱- برای آگاهی بیشتر از سابقه و مقررات کار عام المنفعه در فرانسه بنگرید به به ژان ماری پیکار، کار عام المنفعه؛ تجربه فرانسه در زمینه یکی از تدابیر جایگزین زندان، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی، مجله کانون، ماهنامه کانون سردفتر و دفتر باران، ش ۳۲، خرداد ۱۳۸۱، صفحه ۲۵ تا ۴۲.